

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



خلاصه مقالات منتخب
بیت نهمین همایش ملی حکیم ملاصدرا

فلسفه و مسائل زنان

یکم خرداد ۱۴۰۴، تهران



«فلسفه و مسائل زنان»

خلاصه مقالات برگزیده بیست و نهمین همایش
بزرگداشت حکیم ملاصدرا، یکم خردادماه ۱۴۰۴

بنیاد حکمت اسلامی صدرا

توزیع رایگان

دانلود فایل PDF کتاب در:

www.mullasadra.org

https://eitaa.com/mullasadra_siprin

https://splus.ir/mullasadra_siprin

فهرست

- پیشگفتار ۱۱
- در همسایگی نیست‌انگاری ۱۵
- حسین کلباسی اشتری
- چالش حق و تکلیف در زن سنتی و زن جدید ۱۷
- عبدالرزاق حسامی‌فر
- زن و مقام انسانی؛ بازخوانی رویکرد تفسیری علامه طباطبایی در باب ارزش
- انسانی زن ۱۹
- قاسم پورحسن
- مناسبت میان زنانگی و مادرانگی و دیرینگی مواجهه انسان با الوهیت و
- امر قدسی ۲۴
- حکمت‌اله ملاصالحی
- بازخوانی نظریات قدرت در جنسیت و زنانگی: بررسی تحلیلی پیرامون نظریات
- غربی و اسلامی و ارتباط آنها در چارچوب فرانظری اورتون ۲۷
- رضا محمدزاده
- جایگاه زن از دیدگاه حکیم نظامی گنجوی ۳۲
- نادیا مفتونی
- سیمای زن در آینه قرآن و عقل ۳۴
- حسین عرب
- تأثیر عقلانیت بر حیات اجتماعی زنان ۳۶
- عین‌اله خادمی، مبارکه مخلص‌آبادی فراهانی

- هویت زن از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان ۳۷
عبدالله صلواتی، فاطمه کوکرم
- زنانگی و مادرانگی در حی بن یقطان ۳۹
محمود نوری، نادیا مفتونی
- مؤلفه‌های جنسیت زنانه در اندیشه ابن عربی ۴۱
سیدعلی علم الهدی، اکرم عسکرزاده مزرعه
- جلوه‌های حکمت عملی در کنش و منش زنان شاهنامه ۴۳
ملیحه صابری نجف‌آبادی
- بررسی و تحلیل نقش جنسیت در فلسفه ذهن و زبان معاصر ۴۶
علیرضا فرجی
- بازخوانی آراء سیمون دوبووار در جنس دوم و بازتاب آن در آینده‌نگری
فمینیستی ۴۷
محمدرضا شمشیری
- جایگاه زن در فلسفه اسلامی و فلسفه معاصر غرب (مطالعه انسان‌شناختی
تفاوت و تشابه زن و مرد) ۴۸
محسن ایزدی
- بررسی تشابه دیدگاه نوصدرااییان و موج سوم فمینیسم در تفاوت عقل عملی
زنانه و مردانه ۵۰
سنا فیروزه، سعید انواری
- زنانه نگری در اندیشه مولانا از منظر اخلاق پرواداری ۵۲
عاطفه رنجبر دارستانی، سیدمحمدعلی دیباجی فروشانی
- جایگاه زن در اندیشه و آثار حکمای مسلمان ۵۳
فرشته ندری ابیانه
- زن در جهان‌بینی اسلام؛ کرامتها و فرصتها ۵۵
زهرا نصر اصفهانی

- الهیات رهایی‌بخش؛ تلاش برای بازگشت به مفهوم الهی زن ۵۶
مسعود احمدی افزادی
- تحلیل فلسفی راهکارهای مختلف توانمندسازی زنان ۵۸
فرشته ندری ایبانه
- عقلانیت، زن و تعالی بشر ۶۰
مریم صانع‌پور
- بررسی تطبیقی دیدگاه ملاهادی سبزواری و علامه طباطبایی درباره فلسفه
زن بودن ۶۱
قاسم اخوان
- نسبت زن و عشق در حکمت متعالیه ۶۳
علیرضا دهقانپور
- سیر اندیشه ابن عربی از موضوع زنوارگی به مفهوم زنانگی ۶۴
شیمای فتورچیان، ابوالفضل محمودی، مسعود احمدی افزادی
- زن مسلمان، مدرنیته و چالش معرفتی «استنتاج باید از هست» ۶۶
محسن ابراهیمی
- فلسفه و جنسیت ۶۷
سیمین عارفی
- جایگاه زنان و چگونگی پرورش شایستگی‌های آنان در اسناد تحولی آموزش
و پرورش ۶۹
امیر مرادی، محسن کردلو
- تجلی کرامت زن در قالب نقش همسری و مادری در اندیشه و جهان بینی
اسلامی ۷۱
مریم احمدی
- تبیین مبانی فلسفی فمینیسم مدرن و نقد آن از منظر اسلام شیعی ۷۳
سیدنورالدین بهروزی نیک

- تبیین کرامت زن بر اساس آموزه‌های قرآنی ۷۵
 قدسیه حبیبی
- بررسی جایگاه زن در جهان‌بینی یهودی- مسیحی و اسلام ۷۷
 زهره سادات موسوی
- مطالعه تطبیقی پیرامون زن در جهان‌بینی غرب و اسلام ۷۹
 ساره تقوایی
- بررسی خاستگاه فمینیسم در ایران ۸۱
 نبی توان، غزاله پورجعفری
- تبیین نقش و اهمیت ایزدبانوان اوستایی در منظومه فکری و اندیشه‌ی ایران
 باستان ۸۲
 سیده آمنه میرخوشخو
- بازاندیشی جایگاه زن در گفتمان عقلانیت و تعالی بشری: از حاشیه‌نشینی
 تاریخی تا الگوی پیشران معاصر ۸۴
 محمود صیدی، الهام صدرپور
- جایگاه و حقوق طبیعی زن؛ نگاهی فلسفی و آینده‌پژوهانه ۸۶
 علی اصغر یزدان‌بخش
- نقش و جایگاه زن در هندسه نظام آفرینش و تعالی جامعه (بررسی موضوعی
 از دیدگاه قرآن و روایات و نگاه اندیشمندان مسلمان) ۸۸
 قدسیه سادات هاشمی دولابی، عباس رجائی
- بررسی تطبیقی جایگاه زن در جهان‌بینی فلسفی غرب و اسلام ۹۰
 زهرا عباسی
- تبیین جوهرشناسی اندیشه زحاحدید: نسبت فلسفه معماری زحاحدید با
 تبدل جوهری در حرکت استکمالی ۹۲
 جانا عرب‌زاده

بررسی تطبیقی مفهوم عدالت جنسیتی در اندیشه ملاصدرا و سیمون
دوبووار ۹۴

سیدنورالدین بهروزی نیک

آثار تحولات مفهومی جنسیت در اسناد بین‌المللی و نحوه مواجه فعال
جمهوری اسلامی ایران ۹۶

فاطمه قاسم‌پور

زن متعالی از منظر عقلانی - و حیانی ۹۸
امین دهقانی

آینه‌های شکسته؛ عقل مردانه و عقل زنانه ۱۰۰
زهرا حاجی شاه‌کرم

زن و سیاست أهل از منظر ملاجلال الدین دوانی؛ با تأکید بر کتاب /خلاق
جلالی ۱۰۵

محمدجواد ناسک جهرمی

مطالعه تطبیقی پیرامون زن در جهان‌بینی اسلام و غرب ۱۰۶
فرزانه عبدالوهاب‌پور، نرگس زارعی

تحلیل نگرش فاطمه مرنیسی پیرامون کنشگری اجتماعی، سیاسی و امنیتی
زنان ۱۰۷

فاطمه احمدی

مهربانوان در ایران باستان، نگاهی به جایگاه زنان در حکمت ایران باستان ۱۰۸
محمد مهدی داور

جایگاه حقوق اجتماعی زن از دیدگاه ملاصدرا ۱۱۰
فاطمه شریفی

- فلسفه زن بودن، کاوشی در تقابل میان ساختار اجتماعی و زیست‌شناختی با
نگاهی به اندیشه‌های فلاسفهٔ مسلمان ۱۱۲
ابوالفضل مینائی
- حکمت صدرایی و تبیین عقلانی نقشهای زنانه: گذر از افراط و تفریط سنت
و مدرنیته ۱۱۳
مریم خاکسار
- زنان و حقوق بشر: تحلیل تطابق حقوق زنان در اسلام با اصول حقوق بشر
و بررسی چالشها و فرصتهای موجود در این زمینه ۱۱۵
سمانه قنبری ورنوسفاد رانی
- بررسی استعاری حدیث «إِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» ۱۱۶
مهدی بیات مختاری

پیشگفتار

بیست و نهمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا، در خردادماه ۱۴۰۴، بمناسبت روز ملی بزرگداشت ملاصدرا برگزار میگردد.

نخستین فعالیتهای دبیرخانه دائمی همایشهای بزرگداشت حکیم ملاصدرا برای برنامه‌ریزی و اجرای این همایش، از ابتدای دیماه ۱۴۰۳ آغاز گردید. ابتدا موضوعاتی از مسائل روز و مبتلابه استخراج شد و برای تعیین و تصویب موضوع این همایش تقدیم شورای علمی بنیاد حکمت اسلامی صدرا گردید. پس از بحث و بررسیها، و نظر به اهمیت جایگاه و مسائل زنان، موضوع همایش جاری «فلسفه و مسائل زنان» تعیین شد.

در گام دوم، سرفصلها و زیرموضوعات فراخوان مقاله بشرح ذیل استخراج شد و بتصویب رسید:

- فلسفه زن بودن؛ آیا زنانگی یک ساختار اجتماعی است یا زیست‌شناختی

(بیولوژیک)

- فلسفه، اسطوره‌شناسی و جایگاه زن در اساطیر ایران و جهان

- زن، خرد و فرزاندگی در ادبیات و متون پارسی و فرهنگ ایرانی

- فلسفه، جایگاه و حقوق طبیعی زن

- عقلانیت، زن و تعالی بشر

- فلسفه، نگاه به مسائل زنان و آینده بشر

- فلسفه، عقلانیت و مطالعهٔ معاهدات بین‌المللی درباب زنان

- زن در جهان‌بینی غرب؛ آسیبها و تهدیدها

- زن در جهان‌بینی اسلامی؛ کرامتها و فرصتها

- مطالعه تطبیقی پیرامون زن در جهانبینی غرب و اسلام
- آسیب‌شناسی رویکردهای فمینیستی به جایگاه و حقوق زنان
- جایگاه زن در اندیشه و آثار حکمای مسلمان
- سهم زنان در تاریخ فلسفه
- زنان فیلسوف و فلسفه زنانه
- فلسفه، زن و جنسیت
- زن و مادری بمثابة یک هویت فلسفی
- فلسفه، زن، اخلاق و معنویت
- فلسفه، رسانه و جریان‌سازی در مسائل زنان
- فلسفه اخلاقی و کرامت زن در رسانه
- فلسفه، جایگاه و حقوق اجتماعی زن
- نقش و جایگاه زن در جامعه مدنی
- فلسفه سیاست و جایگاه زن در حکومت و مدیریت جامعه
- فلسفه غرب معاصر و جایگاه زنان در ساختار قدرت
- سهم زنان در تدریس و تحصیل فلسفه در ایران
- سهم زنان از آثار فلسفی به زبان فارسی (کتابها، مقالات و...)
- تحلیل فلسفی قوانین حقوقی زن و خانواده در ایران
- جایگاه زنان متفکر در ایران معاصر
- رویکرد فیلسوفان معاصر ایرانی به مسائل زنان
- فلسفه، انقلاب اسلامی و مسائل زنان
- فلسفه، زن، خانواده و موضوع جوانسازی جمعیت
- فلسفه، آموزش و توانمندسازی زنان

گام سوم، با اعلان عمومی فراخوان مقاله و اطلاع‌رسانی همایش در فضای مجازی و نیز ارسال پوستر و نامه کتبی به دانشگاه‌ها و اساتید و

محققان برتر، در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ به سرانجام رسید.
سپس، تا تاریخ تعیین شده برای دریافت مقالات، ۶۷ مقاله به دبیرخانه
همایش رسید. از میان این مقالات، تعداد ۵۲ مقاله از سوی شورای علمی
همایش پذیرفته شد. کتابچه حاضر خلاصه این مقالات است.
سخنرانیهای برگزیده همایش نیز از طریق پایگاه اینترنتی بنیاد حکمت
اسلامی صدرا بنشانی mullasadr.org و شبکه‌های اجتماعی بنیاد حکمت
اسلامی صدرا منتشر میگردد؛ از جمله

<https://www.aparat.com/mullasadra.siprin>

https://eitaa.com/mullasadra_siprin

https://splus.ir/mullasadra_siprin

کتاب مجموعه مقالات همایش نیز پس از داوری مقالات و طی فرایند
آماده‌سازی، در آینده نزدیک در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

دبیرخانه دائمی همایشهای بزرگداشت ملاصدرا

بنیاد حکمت اسلامی صدرا

در همسایگی نیست‌انگاری

حسین کلباسی اشتری*

مطالعه «سرآغاز»، بمثابة محل نشو و نماي هر چيز در نظر كساني چون «هانس گئورك گادامر»^۱، راهي متفاوت بسوي فهم حقيقت چيزهاست. ميپرسيم سرآغاز جنبش موسوم به «فمينيسم» چه بوده است؟ اکنون فارغ از نگاههاي تاريخي يا پديدارشناختي و خوانشهاي تحليلي يا قاره‌يي، «فمينيسم» و امواج مختلف آن را همسايه ديوار به ديوار «نيست‌انگاري» (Nihilism) ميخوانيم، از آنرو كه اين جنبش، در اصل تكاپويي بوده است براي يافتن «معنا» در هويت و كنشهاي فردي و اجتماعي حدود نيمي از جمعيت جهان؛ كه گويا حقوق آنان پايمال شده است. بلحاظ گاهشماري، نخستين جرقه‌هاي جنبش فمينيستي را به زمان صدور «اعلاميه حقوق بشر» و پيروزي انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) بازميگردانند؛ با اين توجه كه در اعلاميه فوق، حقوق مردان تضمين شده و حقوق زنان ناديدده گرفته شده است. صرفنظر از شعارها و دعاوي موجهاي چهارگانه اين جنبش كه موج اخير آن به اواخر قرن بيستم ختم ميشود، دغدغه مشترك آنها بر بازتعريف نسبت ميان «جنسيت» و «قدرت» تمرکز دارد؛ از حق مالكيت و حق رأي زنان تا قانوني شدن سقط جنين. از سويي دگر، اگرچه واژه نيهيليسم نخستين بار توسط فريدريش ياكوبي (قرن هجدهم) به ادبيات فلسفي وارد شد، اما درواقع

* استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائي، تهران، ايران؛ hkalbasi@atu.ac.ir

۱. گادامر، هانس گئورك، آغاز فلسفه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: هرمس.

با تأملات نیچه در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم بود که نسبت میان دانش و اخلاق جدید با قدرت نمایان گردید. فارغ از سنجشها و تفسیرهای مربوط به دیدگاههای نیچه، آنچه محرز است، وی در مقام بیان و توصیف روح زمانه خویش بود و لحن گزنده او متوجه زوال ارزشهای ناب انسانی و اقبال به ارزشهای دون و درواقع ضد ارزشهاست؛ آنهم بصورتی که وجه تاریخی انسان غربی را بتصویر میکشد. اکنون میتوان تا حدودی برآمدن فمینیسم از دامن نیست‌انگاری را بتصور آورد و این دو را در مجاورت یکدیگر قرار داد، زیرا میتوان پرسید کوشش برای معنا بخشیدن، بغیر از زمین و زمانه بیمعنایی، چه وجهی میتواند داشته باشد؛ حتی آنگاه که زمانه جدید و معاصر به وصف روشنگری، لیبرالیسم، برابری و انقلاب صنعتی توصیف شود؟

کلیدواژه‌ها: نیست‌انگاری، هانس گئورک گادامر، فمینیسم، اعلامیه حقوق بشر، نیپیلیسم.

چالش حق و تکلیف در زن سنتی و زن جدید

عبدالرزاق حسامی‌فر*

نهاد خانواده یکی از نهادهای مهم حیات اجتماعی بشر است و نقش بسیار مؤثر زنان در سلامت و قوام کانون خانواده تردیدناپذیر است. وقتی خانواده‌یی شکل میگیرد، بطور طبیعی هر یک از اعضای خانواده، یعنی ابتدا والدین و بعد فرزندان، نسبتی با حق و تکلیف پیدا میکنند؛ به این معنا که هر یک از آنها علاوه بر حقوقی که بدست می‌آورند، مکلف به تکالیفی میشوند. نسبت حق و تکلیف اعضای خانواده، بویژه زنان بجهت رشد و توسعه جوامع از سنتی به مدرنیسم، دستخوش تغییر شده است؛ چنانکه فی‌المثل زن جدید حق و تکلیف متفاوت با حق و تکلیف زن سنتی دارد. عدم رعایت مرز میان حق و تکلیف و درآمیختن منافع هر دو و عدم پایبندی به الزامات هر دو، چالش‌برانگیز است. زن سنتی مکلف بود همه کارهای خانه را انجام دهد و از این حق برخوردار بود که شاغل نباشد و درآمدی نداشته باشد. اما زن جدید خود را مکلف میداند از طریق شغل و کسب درآمد، در تأمین هزینه‌های زندگی مشارکت داشته باشد. البته در کنار این تکلیف، این حق را هم دارد که در انجام بخشی از کارهای خانه از مساعدت همسرش بهره‌مند باشد؛ چنانکه زن و شوهر هم در کار منزل و هم در شغل و کسب درآمد، همدوش یکدیگر باشند. چالش زمانی پیش می‌آید که این مرزها شکسته شود. برای

* استاد گروه فلسفه، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران؛ ahesamifar@hum.ikiu.ac.ir

مثال، زن هم حق زن سنتی و هم حق زن جدید را مطالبه کند ولی زیر بار تکلیف هیچیک نرود. در این حالت، مرد هم مکلف به انجام کارهای خانه است و هم باید درآمد کسب کند. عکس این وضع نیز ممکن است، چنانکه مرد، زن را از دو حق خود محروم کند و او را مکلف به هر دو تکلیف بداند؛ یعنی از او هم انتظار داشته باشد همه کارهای منزل را انجام بدهد و هم درآمد داشته باشد. هر دوی اینها اشتباه است و حق و تکلیف را چه در یک خانواده سنتی و چه در یک خانواده جدید، باید بر اساس عدل و انصاف تعریف کرد تا ستمگری و ستم‌پذیری میان زوجین روی ندهد.

کلیدواژه‌ها: حق، تکلیف، زن سنتی، زن جدید، خانواده، درآمد.

زن و مقام انسانی؛ بازخوانی رویکرد تفسیری علامه طباطبایی درباب ارزش انسانی زن

قاسم پورحسن*

فهم و تفسیر متفکران برجسته اسلامی در سه حوزه مهم فلسفی، عرفانی و تفسیری درباره زن و مقام انسانی او، در تفکیک از نگرشهای رایج و تمایز وجه انسانی از صرف احکام، نه تنها تاکنون مورد پژوهش درخور قرار نگرفته بلکه اساساً نادرست فهمیده شده است. وجه انسانی زن، از موضوعات بنیادینی است که بسبب سیطره رویکردهای احکام‌محور، مورد غفلت قرار گرفته و سبب برداشتهای سراسر نادرست از سنت و میراث اسلامی دربابت مقام زن گردیده است. علامه طباطبایی و شاگردانش همچون استاد مطهری و استاد جوادی آملی، با بهره بردن از میراث فلسفه و عرفان اسلامی، کوشیده‌اند تا با ابتناء بر تفسیری اصیل از آموزه‌های دین با رویکرد تفسیری، ضمن اعتنا به مقام و ارزش انسانی زن، تفسیری بدیع از تمایز ساحت انسانی و اجتماعی زن بدست دهند و سعی کرده‌اند به معضل ناسازگاری دین و مسئله زن را پاسخ دهند.

حسب آموزه‌های دینی، زن بر اساس رویکرد تفسیری طباطبایی، از ارزش انسانی برابر با مرد برخوردار بوده و بلکه در منظری بنیادین، که بازتابی از دستاوردهای تفسیر عرفانی است، زن هم واجد حیث فاعلیتی و هم دارای

ساحت پذیرندگی است. علامه طباطبایی حیث انسانی را ذاتی و اصل قرار داده و وجه اجتماعی را امری ثانوی و بالعرض دانسته است. بازخوانی و عیان ساختن بنیانهای این دیدگاه، میتواند الگویی از فهم صحیح در میراث اسلامی نسبت به جایگاه و ارزش انسانی زن عرضه نموده و چرخشی اساسی در فهم مسلط شکل داده و رهیافتی متفاوت را ارائه نماید. چنین تفسیری در سنت اسلامی، برخلاف دیدگاه رایج دربارهٔ فرودست بودن زنان در خرد و اندیشیدن، میتواند زمینه‌هایی مهم از مطالعات را درباب توانایی زن و امکان‌سازی بنیادین تلقیها و نگرشها فراهم سازد. تاکنون چنین تفسیر ایجابی‌یی بر اساس نگرش فلسفی که از کنشهای معرفتی زنان در ساحت‌های گوناگون دفاع کرده است، صورت نگرفته و خوانش صحیح این بنیانها میتواند امکانی را برای مناسبات بینارشته‌یی زنانه در حوزه‌های گوناگون طرح نماید.

چهار رویکرد عرفانی، فلسفی، تفسیری و فقهی را باید مهمترین نگرشهای اسلامی در موضوع زن و دین دانست. نگرش فلسفی (دورهٔ نخست) و عرفانی، برخلاف تصور رایج به زن، توجهی شایسته به زن داشت. فارابی و ابن‌سینا زن و مرد را در نیروی خرد و اندیشه و تخیل برابر میدانستند.^۱ رویکرد عرفانی، زن را بدلیل برخورداری از دو خصلت اساسی، برابر و بلکه والاتر از مرد میداند. در نگرش علامه طباطبایی یک تغییر اساسی در تفسیر قرآن صورت گرفته و مسائل اجتماعی اهمیت بنیادین یافت. نگرش علامه دربارهٔ زن ستایش برانگیز است و همین دیدگاه سبب چرخش شارحان و شاگردانش، از جمله مطهری و جوادی آملی به مسئلهٔ زن شد. هر سه متفکر بر برابری زن و مرد - خواه در خلقت و خواه در حقوق انسانی و حتی اجتماعی - تأکید دارند و میتوان گفت شاید بنوعی به منظر عرفانی نزدیک شده‌اند. علامه دو ساحت مقام انسانی را از مقام احکام تفکیک کرده و مهمتر آنکه،

اصل را ارزش انسانی زن قرار داده و احکام را فرعی بر مقام زن دانسته است؛ که یکی از مهمترین دستاوردهای تفسیری در سنت اسلامی است. علامه در *تفسیر المیزان* درباره زن، بر اساس تفسیر آیات قرآن همچون آیات نخست سوره نساء، تأکید دارد که اصل بر برابری در خلقت زن و مرد بوده و از حیث هستی‌شناسی و مقام انسانی، زن و مرد برابرند. علامه برغم تفسیری خاص از احکام دینی درباره زن و مرد، چه در آفرینش و چه در زیست و اجتماع، زن و مرد را از حیث انسان بودن یکسان تلقی میکند. از دیدگاه وی، این تفاوت فرع بر اصل ارزش انسانی زن بوده و منافاتی با مقام برابر انسانی زن و مرد ندارد. علامه برخلاف بسیاری از مفسران اسلامی، آیات مربوط به انسان بودن زن و مرد را اصل و محور حکم قرآنی قرار داده است. وی ابتدا میگوید: خطاب قرآن به زن و مرد با واژه انسان (ناس) است نه جنسیت و صنف انسان. انسان بنحو یکسان بر مرد و زن اطلاق میشود، چون مراد جنس انسان است.^۱

علامه در تبیین دقیقتر برابری مقام انسانی زن و مرد، دست به نقد دیدگاه مفسران درباره نفس واحده در این آیه زده و معتقد است آنان از یکسانی آفرینش زن و مرد غفلت کرده‌اند! علامه تأکید میکند که خداوند در این آیه و نیز در سوره حجرات، قصد دارد به انسانها نشان دهد که افراد انسان از نظر حقیقت انسانیت، یکسان هستند و هیچ فرقی در این جهت ندارند، پس شایسته نیست که مرد بر زن تکبر کند و خود را برتر بداند.^۲ علامه انسان را محور احکام و خطاب خدا دانسته و حقیقت انسان را واحد میداند که در خلقت برابر آفریده شده‌اند. بنابراین انسانها بطور یکسان از هدایت و ایمان و سعادت برخوردار خواهند بود. او معتقد است از نظر اسلام، زن و مرد در مشارکت اجتماعی و تدبیر شئون و نیز در بدست

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم،

ج ۴، ذیل آیه اول سوره نساء، ص ۲۱۹-۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۱۶-۲۱۵.

گرفتن مسئولیتها و برآوردن نیازها و رفع احتیاجات، مساوی بوده و بر اساس تصریح آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، همانگونه که مرد میتواند برای سرنوشت خودش تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، زن نیز میتواند و این حق را دارد که بنحو برابر و بدون هیچ تفاوتی، با اراده خود دست به عمل زده و سود و زیان کارش را ببیند.^۱

استاد مطهری در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام*، همین منظر علامه طباطبایی را با شرحی تفصیلی پذیرفته و تأکید دارد که در تفسیر آیات قرآن درباره زن، ابتدا باید به مقام انسانی زن در خلقت توجه کرده و مسئله مهم برابری در آفرینش را مورد اهتمام قرار داد. مطهری با اشاره به سوره‌های نساء و نحل و روم و حجرات، توضیح میدهد که قرآن بصراحت در آیات متعددی میگوید: زنان را از جنس مردان و برابر آفریدیم.^۲ او پس از تبیین برابری در خلقت، میگوید: دیدگاه کسانی که اسلام را متهم به بیتوجهی حقوق انسانی زن کرده‌اند، مردود و نادرست است. اصل بنیادین در اسلام - به‌باور او - تعابیر قرآنی است که در آن بر اشتراک و یکسانی زن و مرد در انسانیت تأکید شده است. مطهری در اینجا از تشابه در حقوق سخن گفته و تفاوت تشابه و تساوی را مورد بررسی قرار داده و معتقد است تساوی غیر از تشابه است، چون تساوی برابری است، اما تشابه یکنواختی است.^۳

مطهری در کتاب *نظام حقوق زن در اسلام* تصریح دارد که دیدگاه اساسی علامه و خود وی، اینست که زن و مرد چون در خلقت و ارزشهای انسانی یکسانند، برابری در حیثیت انسانی سبب برابری در حقوق انسانی نیز میشود.^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۴۱۰-۴۰۹.

۲. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا، ۱۳۷۸: ص ۱۱۷-۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۱۵.

مطهری برای تبیین صحیح این مسئله چهار پرسش مهم در باب زن را از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا همانند علامه طباطبایی، از مقام انسانی زن در آفرینش دفاع کرده، سپس حقوق طبیعی و فطری برابر را بررسی نموده و آنگاه تفسیری از احکام قرآن در باب زن و نیز راز تفاوت‌های احکام را تفسیر نموده و دیدگاه خود را شرح داده است. بنظر وی تفاوت منظر اسلام و غرب در همینجاست.^۱

استاد جوادی آملی در کتاب *زن در آیینه جلال و جمال* معتقد است علت این تقسیم‌بندی اینست که آنان انسان را صرفاً همین بدن و جسم میدانند، یعنی بدن‌ها به دو شکل هستند: زن و مرد. اما در قرآن تمام حقیقت انسان همان روح و گوهر اوست، گرچه بدن نیز اهمیت دارد، اما بنیان انسانیت نیست. بهمین دلیل، ذکورت و انوثة فرعی بر انسانیت اوست. در قرآن اساس تعریف بر زن و مردی نیست تا تساوی و عدم تساوی مطرح باشد. وی بر این باور است که قرآن کریم هنگام طرح مسئله زن و مرد میگوید: این دو را از چهره ذکورت و انوثة شناسید بلکه از چهره انسانیت شناسید، چراکه حقیقت انسان را روح او تشکیل میدهد نه بدن او.^۲

این نوشتار درصدد است ضمن نقد دیدگاه برتری‌جویی مردانه بر مبنای ارائه برخی از متفکران اسلامی، خوانش اصیل متفکران اسلامی (بطور خاص فهم تفسیری علامه طباطبایی و شاگردان او) را مورد بررسی و بازخوانی بنیادین قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: زن، حقوق زن، تساوی زن و مرد، علامه طباطبایی، مطهری، جوادی آملی، رویکرد تفسیری.

۱. همان، ص ۱۲۴.

۲. جوادی آملی، عبدالله، *زن در آیینه جلال و جمال*، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۹۸، ص ۷۰.

مناسبت میان زنانگی و مادرانگی و دیرینگی مواجهه انسان با الوهیت و امر قدسی

حکمت‌اله ملاحی*

مسئله چستی و چگونگی مراحل تدریجی و آغازین برآمدن و برصحنه آمدن انسان روی پوسته نازک و ظریف جغرافیای طبیعی، غبار کیهانی سیاره زمین، افکنده در میان صدها و صدها میلیارد غبار کیهانی دیگر و ردیابی و رصد حیات باطنی و سیر وجودی و دریافتهای تجربه‌های زیسته «آغازین» انسان از الوهیت و امر قدسی از رازانگیز، رازآمیز، و پرسش‌برانگیزترین مسائلی است که همچنان با آن دست در گریبان هستیم و دست و پنجه می‌فشاریم. در نظام دانایی روزگار ما اندیشه و شناخت غالب اینست که در تاریخ و گذشته تاریخی و فرهنگی انسان بدنبال خاستگاهها و سرچشمه‌های تاریخی حیات باطنی و سیر وجودی انسان در زمانها و مکانهای خاص بگردد و آنها را ردیابی و رصدشان کند. لیکن حیات باطنی و سیر وجودی انسان و مواجهه او با امر الوهی و قدسی نه فروکاستنی به تاریخ و زمان و مکان خاص تاریخی است و نه اندازه‌پذیر در زمان و مکان خاص تاریخی است و نه میتوان در جغرافیای زمان و مکان خاص تاریخی، نقطه‌گذاری و مرزبندی کرد و حد زمانی و مرز مکانی برایش مشخص نمود. خطکشیها و ترازوها و ترازوها و مقیاسهای تاریخ و زمان و مکان تاریخی در ردیابی و رصد مواجهه انسان با

* استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ msalehi@ut.ac.ir

امر ماورایی و سیر وجودی و حیات باطنی او کوتاه می‌آیند و با مقیاسها و ترازهای دیگر باید به ردیابی و رصد آنها پرداخت. بتعبیر قرآن؛ «هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً» (انسان ۱).

انسان هستنده‌یی است و رای آنچه هست و و رای هرآنچه هست ایستاده است. تاریخمندی او گشوده بسوی و رای هرآنچه تاریخی است، افق گشوده است. جغرافیای تاریخی و فرهنگی انسان نه از عدم روی سیاره زمین افق گشوده و نه در عدم استمرار و تداوم داشته است. با یک جهان حیات باطنی، با یک جهان تجربه‌های رنگارنگ زیسته، با یک جهان طرحها و تصویرها و نظامهای دانایی و فکری و فرهنگی و مدنی و معنوی و باورها و رفتارهای دینی-آیینی، با یک جهان کششها و کنشها و خیزشهای خلاق هنری و چشمشهای ذوقی و زیباشناختی، با یک جهان اسطوره و نظامهای اسطوره‌یی و استعاره‌یی و رمز و تمثیل و تصویر؛ و کوتاه سخن آنکه با یک جهان مواریث فرهنگی ناملموس و ملموس و مانند اینها، همه افق گشوده و آشکار و بیان شده است. بدیهی است ردیابی و رصد و فراخواندن و بازخواندن و تفسیر هرآنچه در تاریخ و جغرافیای تاریخی و فکری و فرهنگی و مدنی و معنوی انسان افق گشوده است، در ردیابی رصد حیات باطنی و سیر و جودی انسان و دریافته‌ها و تجربه‌های آغازین و ریشه‌یی و سرچشمه‌یی او از الوهیت و امر قدسی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. اتفاقاً، در این میان، جایگاه زنانگی و مادرانگی و تصویرها و استعاره‌ها و اسطوره‌ها و رمزا و تمثیله‌ها و تشخیصهای مادرانه از الوهیت در ردیابی و رصد و دریافت و مواجهه آغازین انسان از الوهیت و امر قدسی بسیار مهم و ویژه است. شواهد و قرائن بسیاری در دست است که مهر تأیید بر چنین جایگاه رفیع و محوری مینهند؛ جایگاه رفیع و محوری و زندگی‌بخش و زاینده و زنانگی و مادرانگی زن را -که تمثیلی و تصویری زنده و ملموس و عینی از مواجهه «آغازین» انسان با الوهیت بوده

است، در برابر انسان می‌گسترند؛ امکان وجودی که مرد و مردانگی و پدرانگی از موهبتش محروم است.

نوشتار پیش‌رو واکاوی دیرینه‌شناسانه مناسبت میان مادرانگی و تجربه‌ها و دریافتهای آغازین انسان از امر الوهی و قدسی، با اتکا و ابتنا به شواهد و قرائن و مدارک باستان‌شناختی و پاره‌یی مستندات تاریخی است. شواهد و قرائن و مدارکی که از چهل هزاره پیش، تا روزگار ما، در همه فرهنگها مشاهده شده است. شواهد و قرائنی که هم گواه بر دیرینگی مناسبت میان مادرانگی و تجربه‌های آغازین انسان از الوهیت و امر قدسی هستند، هم تصویری زنده و ملموس از مواجهه انسان با امر الوهی و قدسی را بروی ما باز نموده و بیان میکنند.

کلیدواژه‌ها: زنانگی، مادرانگی، الوهیت، امر قدسی، امر الوهی، حیات باطن.

بازخوانی نظریات قدرت در جنسیت و زنانگی: بررسی تحلیلی پیرامون نظریات غربی و اسلامی و ارتباط آنها در چارچوب فرانظری اورتون

رضا محمدزاده*

مطالعه قدرت (Power) در حوزه جنسیت (Gender) و زنانگی (Femininity) همواره یکی از مباحث کانونی در علوم اجتماعی، فلسفه و مطالعات فرهنگی بوده است. بررسی دیدگاهها و رویکردهای نظری بسیار متنوع در این زمینه، از نظریات فمینیستی لیبرال و رادیکال تا رویکردهای پساساختارگرا و پسااستعماری، نیازمند یک ابزار مفهومی جامع برای تحلیل و مقایسه است. این پژوهش با هدف ارائه یک چارچوب تحلیلی یکپارچه، به بررسی نظریات قدرت در جنسیت و زنانگی با استفاده از فرانظریه (Metatheory) ویلیس اف. اورتون (Willis F. Overton) پرداخته و در اقدامی نوآورانه، اندیشه‌های متفکران مسلمان در این حوزه را نیز در این چارچوب مورد بازخوانی قرار میدهد. هدف اصلی، ایجاد یک فضای گفتگوی بینافرهنگی و ارائه تصویری جامع‌تر از دینامیک قدرت در زنانگی و تدارک زمینه‌یی مناسب برای استفاده‌های تطبیقی و تحلیلی پژوهشگران این عرصه است.

چارچوب نظری و روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی (Analytical-Comparative Approach) و

* عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران؛ r.mohammadzadeh@isu.ac.ir

با استفاده از چارچوب فرانظری اورتون صورت پذیرفته است. فرانظریه‌های اورتون [فرانظریه تفکیکی Split metatheory رابطه‌ی Relational metatheory و مکمل‌گرا complementarity] و ارتباط آنها با جهان‌بینی‌های (Worldviews) متناسب بعنوان ابزاری برای دسته‌بندی و تحلیل نظریات مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متن مقاله از یک مقدمه و دو بخش اصلی تشکیل شده است:

مقدمه مقاله: توضیح فرانظریه و جهان‌بینی بر اساس تقریری که توسط اورتون بعنوان ابزاری برای بررسی نظریات یک حیطه علمی ارائه شده است. ۱. مفهوم فرانظریه و ارتباط آن با جهان‌بینی ۲. انواع سه‌گانه فرانظریات: تفکیکی، رابطه‌ی و مکمل‌گرا و وجه سه‌گانه بودن آنها

بخش اول پژوهش: دسته‌بندی نظریات عمده قدرت در جنسیت و زنانگی بر اساس فرانظریات سه‌گانه خاص هر یک:

۱. قدرت بعنوان منبع (Power as a Resource): این رویکرد که عمدتاً با فرانظریه تفکیکی همسوست، بر توزیع و دسترسی به منابع قدرت (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) تأکید دارد.

۲. قدرت بعنوان سلطه (Power as Domination): این دیدگاه که با مبنای فرانظریه رابطه‌ی قرار میگیرد، بر ساختارهای قدرت و روابط نابرابر اجتماعی که منجر به سلطه میشوند، تمرکز دارد.

۳. قدرت بعنوان توانمندسازی (Power as Empowerment): این رویکرد که با جهان‌بینی مکمل‌گرا هماهنگ است، به ظرفیتهای فردی و جمعی برای مقاومت و ایجاد تغییرات مثبت در ساختارهای قدرت میپردازد.

بخش دوم: بررسی اندیشه‌های متفکران مسلمان درمورد قدرت‌زنانگی و تلاش برای ارائه این دیدگاهها در قالب دسته‌بندی منسجم. این دسته‌بندی

بر مبنای جهان‌بینی اسلامی و مفاهیم مرتبط با قدرت، جنسیت و جایگاه زن صورت گرفته و به سه دسته اصلی تقسیم شده است:

۱. قدرت بعنوان امانت (Power as Trust): ریشه در آموزه‌های الهی و فلسفه سیاسی اسلامی دارد و قدرت را مسئولیت الهی در راستای عدالت و کرامت انسانی می‌بیند.

۲. قدرت بعنوان مسئولیت (Power as Responsibility): مبتنی بر رویکرد تکلیف‌مداری اسلامی است و بر نقشها و وظایف زنان در خانواده و اجتماع تأکید دارد.

۳. قدرت بعنوان فرصت (Power as Opportunity): ریشه در نگاه عرفانی و معنوی اسلامی دارد و قدرت را فرصتی برای رشد معنوی و تحول اجتماعی میداند.

یافته‌ها و نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میتوان یک همپوشانی و ارتباط معنادار میان دسته‌بندی نظریات غربی و دسته‌بندی مبتنی بر اندیشه اسلامی درباره قدرت زنانگی یافت. این ارتباط را میتوان در قالب تطابقهای مفهومی و فرانظریاتی مورد بررسی قرار داد:

- تطابق فرانظریه تفکیکی و قدرت بعنوان منبع با قدرت بعنوان امانت: هر دو دیدگاه بنوعی به قدرت بعنوان چیزی که قابل مدیریت، توزیع یا اعطاء شدن است، مینگرند و بر اهمیت عدالت در این زمینه تصریح دارند.
- تطابق فرانظری رابطه‌یی و قدرت بعنوان سلطه با قدرت بعنوان مسئولیت: هر دو دیدگاه بر پویایی روابط اجتماعی و ساختارها در تعریف قدرت تأکید دارند. درحالیکه «سلطه» به نابرابری در این روابط می‌پردازد، «مسئولیت» بر جایگاه و نقشهای زنان در این بسترها تمرکز دارد.

• تطابق فرانظری مکمل‌گرا و قدرت بعنوان توانمندسازی با قدرت بعنوان فرصت: هر دو رویکرد به پتانسیل‌های تغییر و رشد مثبت در فرد و جامعه نگاه میکنند. دیدگاه «توانمندسازی» بر تقویت قابلیت‌های فردی و جمعی تأکید دارد، درحالیکه «فرصت» از منظر اسلامی بر امکان رشد معنوی و ایفای نقش‌های تأثیرگذار تأکید مینماید.

تلفیق این دو دسته‌بندی در چارچوب فرانظری اورتون، به ایجاد یک الگوی تحلیلی جامع‌تر منجر میشود که میتواند پیچیدگی‌های قدرت در زنانگی را در بستر فرهنگی-مذهبی و اجتماعی-سیاسی بطور همزمان بررسی کند. این چارچوب امکان تحلیل عمیق‌تر محدودیت‌ها و ظرفیت‌های هر نظریه را فراهم میسازد و زمینه‌ساز طرح پرسش‌هایی جدید درباره نقش‌های جنسیتی، عدالت و توانمندسازی در جوامع مختلف میگردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از چارچوب فرانظری اورتون و تحلیل تطبیقی نظریات غربی و اسلامی درمورد قدرت زنانگی، نشان میدهد که میتوان به یک فهم مشترک و بینافرهنگی از دینامیک قدرت در این حوزه دست یافت. دسته‌بندی‌های ارائه‌شده، بصورت مکمل یکدیگر عمل کرده و میتوانند بعنوان ابزاری قدرتمند برای تحلیل‌های آینده در مطالعات جنسیت، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و الهیات مورد استفاده قرار گیرند. این رویکرد میتواند به تدوین سیاست‌های مؤثرتر و بومی‌تر در زمینه توانمندسازی زنان و ارتقای عدالت جنسیتی در جوامع مختلف کمک کند. پیشنهاد میشود پژوهش‌های آتی به بررسی مصداقی این چارچوب در تحلیل تجارب زیسته زنان در بستر فرهنگی-مذهبی و اجتماعی بپردازند.

کلیدواژه‌ها: قدرت، جنسیت، زنانگی، فرانظریه، تفکیکی، رابطه‌یی، مکمل‌گرایی، ویلیس اف. اورتون، جهان‌بینی، اندیشه اسلامی، امانت، مسئولیت، فرصت، توانمندسازی، سلطه، منبع.

جایگاه زن از دیدگاه حکیم نظامی گنجوی

نادیا مفتونی*

حکیم نظامی گنجوی، شاعر توانمند پارسی‌سرای قرن ششم، دیدگاه خود درمورد جایگاه و منزلت زن را در جای جای آثارش به‌یادگار گذاشته است. یکی از مواضعی که وی بصراحت دربارهٔ مقام و شأن زن سخن گفته است، داستان خسرو و شیرین در *خمسه نظامی* است. مهین بانو که عمه شیرین است - شیرین پس از مرگ وی به پادشاهی میرسد، در ماجرای عشق و دلدادگی خسرو و شیرین، اندرزهایی به شیرین میدهد که محتوای آن، بیان جایگاه و شئون زن و مخاطرات عدم توجه به این جایگاه است.

مهین بانو که پاکی در گهر داشت ز حال خسرو و شیرین خبر داشت
در اندیشیدن ازان دو یار دلکش که چون سازد بهم خاشاک و آتش
اما بخش محوری این شعر که ناظر به شأن و منزلت زن، عواقب روابط ناسالم و تأکید بر ارتباط زناشویی است، در ابیات زیر بچشم میخورد:

چو تو در گوهر خود پاک باشی	بجای زهر او تریاک باشی
و گر در عشق بر تو دست یابد	ترا هم غافل و هم مست یابد
چو ویس از نیک‌نامی دور گردی	به زشتی در جهان مشهور گردی
گر او ماهست ما نیز آفتابیم	و گر کیخسرو است، افراسیابیم
پس مردان شدن مردی نباشد	زن آن به کش جوانمردی نباشد

بسا گل را که نغز و تر گرفتند بیفکندند چون بو برگرفتند
بسا باده که در ساغر کشیدند به جرعه ریختندش چون چشیدند
تو خود دانی که وقت سرفرازی زناشوئی بهست از عشقبازی
مهین بانو در بیت اول از این شعر، نقش اثرگذار عفاف و پاکی زن را بیان
میکند و آن را برای تمایلات مرد، بمثابة تریاک برای زهر میداند. وی در
بیت دوم و سوم، دربارهٔ سرانجام غفلت در عشق و فرجام شوم بدنامی، به
شیرین هشدار میدهد. آنگاه در بیت چهارم، منزلت والای زن، بلکه برتری
شیرین بر خسرو را در صورت پیش گرفتن پاکی و عفاف، مورد تأکید قرار
میدهد.

در بیت پنجم، مهین بانو شیرین را از دنباله‌روی مردان، بمعنای برقراری
نسبت و ارتباط خارج از چارچوب با مردان، نهی میکند. سپس در بیت ششم
و هفتم، تبعات و فرجام شوم چنین رابطه‌هایی را به‌شدت بازگو میکند. مهین
بانو در هشتمین و آخرین بیت، به شیرین تصریح میکند که ارتباط زناشویی
را بر روابط خارج از چارچوب برگزیند.

نکتهٔ مهم در بیان ارکان عفاف زن اینست که هر دو طرف این گفتگو
پادشاهند. یعنی هم مهین بانو پادشاه است و هم شیرین که پس از مهین
بانو به پادشاهی میرسد. بنابراین، اندرزهایی که مهین بانو به شیرین میدهد،
صرفاً برای زنان عادی و عامی نیست، بلکه مربوط به مهمترین زنان جامعه
است که مقام پادشاهی را بخود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جایگاه زن، شأن زن، عفاف، عشق، پاکدامنی، نظامی گنجوی،
خسرو و شیرین، خمسۀ نظامی.

سیمای زن در آینه قرآن و عقل

حسین عرب*

برغم ستمها و بيمهریها و تضییع حقوق که در تاریخ امتهای بسیار طولانی و ممتد در حق عنصر زن صورت گرفته است، این نماد زیبای هستی، در میان همه آن ظلمتهای جهل و خرافه و ستمی که درباره او روا داشته شده، خوش درخشیده و شخصیت واقعی خود در جامعیت قدرت و محبت و هنر و خلاقیت و توان تغییر فرهنگ و اخلاق و ساختن جامعه‌ی صلح‌محور و عدالت و تربیت‌مدار را نشان داده است.

قرآن مجید که اصلیت‌ترین منبع دینی مسلمین است، ضمن بیان نقش تاریخی زنان ماندگاری چون مریم، آسیه، ساره و هاجر - مادر حضرت موسی (ع) - علل و زمینه‌های رشد عنصر محبت و تربیت و خلاقیت را بعنوان یک متن واقع‌گرا پیش روی بشریت گذاشته است. از جمله محورهای موضوع زن در قرآن، تساوی کامل بین زن و مرد در شرافت و کرامت و ارزشهای والای انسانی است که در آیاتی متعدد بر این اصل تکیه میکند و نقاب از چهره زیبای زنانی برداشته است که بر بسیاری از مردان در طول تاریخ، سبقت و پیشی گرفته‌اند. قرآن آغاز تغییر حکومتی چون حکومت فرعون را الهام به قلب مادر حضرت موسی (ع) میداند که در جای خودش به آن می‌پردازیم. مقاله پیش‌رو بدنبال اثبات این مدعاست و در این راه از منابع و حیانی، عقلی

و فلسفی، بویژه صدرا یی بهره خواهد برد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زن، کرامت، عقل.

تأثیر عقلانیت بر حیات اجتماعی زنان

عین‌اله خادمی^۱، مبارکه مخلص‌آبادی فراهانی^۲

حیات اجتماعی از یکسو بعنوان یکی از کارویژه‌های زیستی، ریشه در خصلت و ماهیت انسانی زنان داشته و از سوی دیگر، نیازمند ایجاد تعاملی میان حقیقت شریعت و واقعیت اجتماع است تا چرخه حیات اجتماعی زنان را تولید و تثبیت نماید. یکی از عناصر در تعامل مذکور، رجوع به عقلانیتی با تفسیر زنانه است تا فهم ساختارمند مسائل، اولویتها و ارزشهای تکلیف‌محور را تسهیل نموده و منظومه‌یی از مسئولیتهای خاص در سه سطح فرد، جامعه، امت، با کیفیتی زنانه ایجاد نماید. از میان تفاسیر رایج، فهم عقلانیت اجتماعی در حکمت متعالیه بمعنای مبتنی کردن کنشهای اجتماعی بر ظرفیت ادراک معانی جزئی و کلی در مراتب مختلف آن است. اگر تأثیر شدت و درجات نفوس در درک معانی در نظر گرفته شود، تفسیری متفاوت از تکالیف اجتماعی ایجاد و آفرینش جمعی متفاوتی تولید خواهد شد. نتیجه عقلانیت مذکور، خلق اصالتی اجتماعی مبتنی بر ارزشها و کرامت انسانی (فارغ از جنسیت و جسم انگاری و مادی‌گرایی)، فهمی جدید از فطرت، فهم بدیهیات، تکامل و شوق انسانی برخاسته از شریعت را در چرخه حیات اجتماعی بوجود خواهد آورد.

کلیدواژه‌ها: زن، عقلانیت، حیات اجتماعی، عقل عملی.

۱. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران؛
e-khademi@gmail.com

۲. دانش آموخته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران؛
mobarakfarahani59@gmail.com

هویت زن از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان

عبدالله صلواتی^۱، فاطمه کوکرم^۲

یکی از مباحث اساسی که در جوامع مختلف بشری به آن توجه شده، موضوع زن است. زن موجودی ارزشمند در عالم امکان است و بعنوان رکنی از خانواده و جامعه نقشی مهم در جهان هستی دارد. نادیده گرفتن زن یا عدم شناخت درست جایگاه او در عالم هستی و جامعه و خانواده، فرایند تعالی بشر را دستخوش مشکلات و مصائب بزرگ میکند. علامه طباطبایی در مقام یکی از فیلسوفان و مفسران بزرگ جهان اسلام، تأملات ژرفی درباره زن دارد که التفات به آنها میتواند در فقره مسئله زن، راهگشای عقل نظری در دو مسیر حکمت نظری و حکمت عملی، و پرتوافکن برای عقل عملی بعنوان مدیر اجرایی حقایق مندرج در حکمت عملی باشد. پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو آنست که از دیدگاه علامه طباطبایی، زن چه هویتی دارد؟ دستاوردهای این نوشتار عبارتند از: زن افزون بر هویت فردی، واجد هویت اجتماعی است؛ زن هویت مکملی در خانواده دارد؛ نادیده گرفتن زن بنوعی جامعه را دچار بحران معنویت میکند؛ زن مالک کار و تلاش خویش است؛ زن در عالم هستی،

۱. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران؛

a.salavati@sru.ac.ir

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)؛

f.kokaram@umz.ac.ir

مسئولیتی ویژه دارد.

کلیدواژه‌ها: زن، هویت اجتماعی، بحران معنویت، تفسیر *المیزان*، علامه طباطبایی.

زنانگی و مادرانگی در *حی بن یقظان*

محمود نوری^۱، نادیا مفتونی^۲

ابن طفیل، فیلسوف و عارف اندلسی قرن ششم، مهمترین عناصر زنانگی و مادرانگی را در *رمان حی بن یقظان*، که یکی از منابع ادبیات جهان، فلسفه مدرن غرب، دوره روشننگری اروپا و حتی انقلاب علمی بشمار می آید، بتصویر کشیده است.

پایبندی زن به موازین اخلاقی و شرعی و مهر و محبت مادر، اهم مؤلفه‌هایی است که در این اثر ابن طفیل، در مقام زن و مادر بچشم میخورد. در بیان این دو مؤلفه لازم است قسمتی از داستان بازگو شود.

در جزیره‌یی آباد و مسکونی، پادشاهی خواهرش را از ازدواج منع میکرد. یقظان که از نزدیکانشان بود، پنهانی با خواهر پادشاه ازدواج کرد، البته بنحوی که در مذهبشان روا بود. آنها صاحب فرزندی شدند. از ترس پادشاه، مادر فرزند را پس از شیر دادن در جعبه‌یی محکم گذاشت و با قلبی سوزان، به دریا افکند. جریان آب کودک را به جزیره‌یی رساند که هیچ انسانی در آن زندگی نمیکرد.

در این قصه که به داستان حضرت موسی(ع) ارجاع دارد - که مادرش او را از ترس فرعون به نیل انداخت - خواهر پادشاه، برغم فشارهایی که بر او وارد میشد، ازدواج را بنحوی که در مذهبشان جایز بود، انجام داد و دست از

۱. دانش آموخته دکتری فلسفه از دانشگاه تهران؛ مدرس دانشگاه هنر.

۲. استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ nadia.maftouni@ut.ac.ir

تقیدات شرعی بر نداشتن عنصر محوری مادرانگی، یعنی دلسوزی و عشق به فرزند نیز در خواهر پادشاه مشهود است. در قسمتی دیگر از قصه، طفل که در جعبه قرار دارد، از شدت گرسنگی شروع به گریه و سروصدا و دست و پا زدن میکند. آهوایی که عقاب بره‌اش را ربوده، صدای بچه را میشنود و گمان میکند صدای بره خودش است. آهوای مادر، خود را به جعبه رسانده طفل را نجات میدهد، نوازش میکند و شیر میدهد. آهو بخوبی به تغذیه طفل و حفظ و حمایت او اهتمام میورزد و صرفاً آنگاه که بناچار باید بچرد، از طفل فاصله میگیرد. طفل سخت دلبسته آهو شده، بنحوی که اگر آهو کمی بیش از معمول، از وی دور بماند، سخت میگرید و آهو نیز بمحض شنیدن صدای طفل، بسوی وی می‌رود. ابن طفیل با ظرافت تمام، لطافت‌های مادرانگی را در رفتار این آهوای مادر بنمایش درآورده است. بطور کلی مؤلفه‌های عفاف و پاکدامنی، تدین و تشرع، دلسوزی و مهربانی در پردازش داستان *حی بن یقظان* برجسته شده است.

کلیدواژه‌ها: زنانگی، مادرانگی، *حی بن یقظان*، ابن طفیل.

مؤلفه‌های جنسیت زنانه در اندیشه ابن عربی

سیدعلی علم‌الهدی^۱، اکرم عسکرزاده مزرعه^۲

فلسفه اسلامی، نگاهی مشخص به مؤلفه‌های هویتی جنسیت زنانه نداشته و اصولاً بحث از ماهیت زن (در تقابل با مرد)، مربوط به دوره مدرن است. امروز مواجهه جامعه ایران با هویت زنانه و مسائل آن، ایجاب میکند با قرائتی جدید از سنت اسلامی، پاسخی برای مؤلفه‌های زنارگی ارائه گردد. مسئله نوشتار پیش‌رو، اینست که عناصر جنسیت زنانه را از مکنون سنت عرفانی ابن عربی تبیین کند. روش این مقاله طبیعتاً بعنوان یک تأمل کاملاً نظری، توصیفی-تحلیلی است که میکوشد در یک سه‌گانه وجودشناختی، معرفت‌شناختی و عمل‌شناختی، مؤلفه‌های جنسیت زنانه را در اندیشه ابن عربی بازایی نماید. عنصر وجودشناختی زنانه، خلقت است و زن نماد خالقیت و ایجاد تکثر است، زیرا واحدیت و رحیمیت و مرتبه نفس بعنوان سه مرتبه از تجلی ذات الوهی که منشأ کثرت میشوند، مراتبی زنانه هستند. بلحاظ معرفت‌شناختی نیز چون خیال در مقابل عقل، امری زنانه است که با استفاده از سه فرایند وحی و الهام و رؤیای صادق به معرفت تشبیهی خداوند (حکمت) نایل میشود. پس زن نماد حکمت است و چون حکمت از نگاه ابن عربی، عهده‌دار حل مشکلات و بحرانهاست و تأمل نظری صرف نیست،

۱. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

alamolhodaa@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ askarzadeh@uma.ac.ir

پس جنبه عمل‌شناختی زن نیز هدایتگری و حل بحرانهای فردی و اجتماعی میشود. بنابراین، نتیجه این تحقیق آنست که هویت زنانه بلحاظ وجودشناختی، منشأ کثرت و بلحاظ معرفت‌شناختی، واجد حکمت و بلحاظ عمل‌شناختی، عهده‌دار هدایت (تربیت) است و این موارد در تقابل با مؤلفه‌های هویت مردانه است که از حیث وجودشناختی، منشأ جامعیت و از حیث معرفت‌شناختی، واجد علم‌تنزیهی (قوه عاقله) و بلحاظ عمل‌شناختی، انسجام‌بخش و تنظیم‌کننده است.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، تأنیث، زنانه، مردانه، ابن عربی.

جلوه‌های حکمت عملی در کنش و منش زنان شاهنامه

ملیحه صابری نجف‌آبادی*

حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهنامه با اندیشه ژرف و خلاقانه، سعی دارد در تکاپوی حوادث و حماسه‌سراییه‌ها، مسائل حکمی را در لابلای مباحث فردی و اجتماعی محور حاکمیت خالق یکتا بیان کند. گزارشهای حماسی او آکنده از نوعی کمالگرایی و معناگرایی است که پهلوانان در صحنه‌های مختلف زندگی، در آن زیست میکنند. فردوسی در نظر دارد این بشارت را به خواننده خود منتقل کند که در میان تمام پدیده‌های هستی، انسان تنها موجود است که عاقل و تشخیص‌دهنده حق از باطل است و همین باعث رستگاری و سرافرازی اوست.

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

این شاعر فرزانه با نگاهی خردمندانه به تاریخ ایران‌زمین، چنان روایتگر رفتار حکیمانه فرزندان این مرز و بوم است که سخن او بازتابی است از اندیشه‌ها و عواطف و رفتارهای خردمندانه، ستم‌ستیزانه، حق‌گرایانه و جوانمردانه پهلوانان؛ پهلوانانی که نه بدلیل جایگاهی که دیگران به آنها نسبت داده‌اند، پهلوان شده‌اند، بلکه پهلوانی آنها برخاسته از طبیعت بیشائبه انسانی است که نشانه‌های آن، در اعمال رفتار و سکنت آنها جاری است. احاطه شگرف

* دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت، تهران، ایران؛ malihe.saberi@gmail.com.

فردوسی بر جنبه‌ها، واقعیات و زوایای آشکار و نهان زندگانی این قهرمانان و فضا و زیستگاه آنان، سبب شده است داستانهای *شاهنامه* نمونه‌های عالی و عینی حکمت بنظر آیند. بنا بر روایت او، پهلوانان نمونه‌های عالی حکمتند؛ حکمتی که در نگرش، تفکر، عواطف، کنش و واکنش، امیال و آرزوها، روابط و نحوه برخورد هر یک از آنها در موقعیتهای مخاطره‌آمیز زندگی روزانه، متجلی است. با آنکه موضوع اصلی *شاهنامه* حماسه است، اما این حماسه به بردهای مردانه در میادین جنگی ختم نمیشود و زنان بعنوان افرادی صاحب رأی، در حماسه‌های *شاهنامه* با منش و کنشهای حکیمانه در جای جای حوادث تاریخی حضور دارند و نقش‌آفرینی میکنند. در تمام داستانهای فردوسی، زنان نقشی بزرگ یا کوچک داشته و هیچ داستانی بدون حضور زنان، پایان نیافته است. بروایت فردوسی، زنان *شاهنامه* افرادی مستقل و با اعتماد به نفس، در حوادث و حماسه‌ها نقش فعال و اغلب مثبتی داشته‌اند، تا آنجا که نقش زنان چنان پررنگ است که میگوید:

هم از زن بود دین مردان پاک بدان را به نیکی بود رهنمای

در این راستا فردوسی نشانه‌هایی از وجوه حکمت را در سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن از سلوک عملی زنان بتصویر میکشد. در زمینه اخلاق، زنان *شاهنامه* با برخورداری از جوهر زنانه، دارای جایگاهی رفیع و پرمنزلت اخلاقیند. فردوسی بکرات از فضایل و خصایل نیکو، مانند خرد، استقلال رأی، هنر، عفت و پاکدامنی، عدالت، شجاعت، پارسایی، رفق و مدارا، آزادگی، شکیبایی، حیا، وفاداری، متانت و وقار و فروتنی زنان یاد میکند؛ بطوریکه در برگ برگ این شاهکار ادبی، با زنانی روبرو میشویم که هرچند شخصیت‌های متنوع و گوناگون دارند، اما بسیاری از آنها دارای خلق و خوی حکیمانه و خردمندانه‌اند.

در زمینه تدبیر منزل، چنانکه ارسطو به اهمیت آن، با این جمله که «هر شهری از خانواده‌ها تشکیل شده» توجه دارد، فردوسی نیز بر مدیریت حکیمانه آن تأکید ورزیده، معتقد است تدبیر خانواده با نقش آفرینی، مهمترین رکن خانواده یعنی زنان، شکل میگیرد. زنان خردمند *شاهنامه* در جایگاههای مختلف همسری و مادری و فرزندی، نمونه‌های عالی رفتار و گفتار حکیمانه‌اند. در عرصه سیاست، در *شاهنامه* از زنانی سخن بمیان آمده که با رأی و اندیشه و تدبیر، موجب تأمین امنیت، رفاه و سعادت جامعه شده‌اند؛ تا آنجا که در برخی موارد، زنانی چون «همای، دختر بهمن»، «پوران‌دخت»، «آزرمیدخت» و «قیدانه» با تدبیر و تعقل، زمام امور را در دست گرفته و به حکمرانی اهتمام داشتند.

در این مقاله به تبیین و تحلیل برخی از جلوه‌ها و آثار حکمی زنان *شاهنامه* با سه سنجه از ارکان حکمت عملی، یعنی اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، *شاهنامه*، پهلوانان، حماسه، حکمت، ارسطو.

بررسی و تحلیل نقش جنسیت در فلسفه ذهن و زبان معاصر

علیرضا فرجی *

در این مقاله، دو مقوله مهم فلسفی با عنوان ذهن و زبان، نسبت به مسئله جنسیت بررسی میشود. بحث ذهن و زبان یکی از مباحث داغ و پرسشهای مهم فلسفی است که فلاسفه و دانشمندان و روان‌شناسان معاصر بصورت ویژه در حال بررسی ابعاد آن هستند. از سوی دیگر، در میان جنبشهای عملگرای معاصر، فلسفه‌های مبتنی بر اختلافات جنسیتی، مانند فمینیسم، هر روز بر دامنه مفاهیم و تعاریف خود می‌افزایند و هر سال با بازتعریف مبانی خود، حلقه پیروان خود را بیش از پیش گسترش میدهند؛ که نمود آن را میتوان در اخبار روزمره بوفور مشاهده کرد. تلاش ما در پژوهش پیش‌رو اینست که ربط و نسبت مفهوم فلسفی ذهن و زبان را بطور خاص با مسئله زن و نقش زن بودن در زبان فلسفی و گسترش مفاهیم ذهنی امروزین مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: فلسفه معاصر، ذهن، زبان، فمینیسم، جنسیت.

بازخوانی آراء سیمون دوبووار در جنس دوم و بازتاب آن در آینده‌نگری فمینیستی

محمدرضا شمشیری*

این مقاله به بازخوانی آراء سیمون دوبووار در کتاب جنس دوم و تأثیر آن بر آینده‌نگری فمینیستی میپردازد. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مفاهیم کلیدی مانند «دیگری»، آزادی و سرکوب جنسیتی در اندیشه دوبووار بررسی شده و بازتاب آن در جنبشهای فمینیستی معاصر و تصور آینده فمینیسم تحلیل میشود. یافته‌ها نشان میدهد که دیدگاه اگزیستانسیالیستی دوبووار نه تنها زمینه‌یی برای فمینیسم موج دوم فراهم ساخت، بلکه همچنان در شکلهای به موجهای سوم و چهارم این حرکت و آینده‌نگری فمینیستی، بویژه در مباحث هویت و برابری، نقش دارد.

کلیدواژه‌ها: سیمون دوبووار، جنس دوم، دیگری، جنبشهای فمینیستی، آینده‌نگری فمینیستی.

* دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان،

ایران؛ shamshirimr@gmail.com

جایگاه زن در فلسفه اسلامی و فلسفه معاصر غرب (مطالعه انسان‌شناختی تفاوت و تشابه زن و مرد)

محسن ایزدی*

خداوند با علم و حکمت و قدرت بی‌همتای خود، با آفریدن دو جنس زن و مرد و ایجاد عشق، محبت و جاذبه بین این دو جنس، ادامه و استمرار حیات را تضمین نمود و این دو جنس را مکمل یکدیگر قرار داد تا از این طریق، تشکیل خانواده، اجتماع، تکامل و بقای نسل بشر میسر گردد. اگر این حقیقت بدرستی فهمیده میشد، معضلات و چالش‌هایی نظیر حقوق زن، جایگاه زن، مردسالاری، زن‌سالاری و... پدید نمی‌آمد. در فلسفه و فرهنگ اسلامی این حقیقت با الهام از آیات و روایات و نیز تحلیل‌های دقیق عقلی-فلسفی، تا حدود زیادی درک و هضم شده است. در فلسفه اسلامی اثبات گردیده که اصل اصیل در انسان عبارتست از روح مجرد و ملکوتی او؛ که زن و مرد از این حیث هیچ تفاوتی با هم ندارند. روح انسان مافوق زن و مرد بودن است؛ زن و مرد از جهت روح و لوازم و آثار آن، کاملاً مشابه و مساوی هستند. اما بعد از اتحاد روح با بدن، بین زن و مرد تفاوت‌هایی رخ مینماید که این تفاوت‌ها برای تکامل و ادامه حیات ضروریند. اما در جهان غرب، بیشتر مکاتب فلسفی معاصر منکر وجود روح مجرد در انسان بوده و وجود انسان را در بدن جسمانی او منحصر دانسته و پیرو دیدگاه فیزیکالیسم هستند. بدون تردید، بدن انسان

ملاک و منشأ تفاوت بین زن و مرد است، نه تشابه و تساوی آنها. با وجود این، جریان رایج در فرهنگ معاصر غرب مدافع و مبلغ تشابه مطلق زن و مرد است. هم‌اکنون «فمینیسم» پرچمدار فرهنگ غرب در مسئله «تفاوت یا تشابه زن و مرد» است.

در این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی به این پرسشها پاسخ خواهیم داد که فلسفه و فرهنگ اسلامی و نیز فلسفه و فرهنگ معاصر غربی، چه رویکرد و پاسخی برای تفاوت یا تشابه زن و مرد دارند؟ مبانی انسان‌شناختی این دو فلسفه و فرهنگ چگونه رویکرد آنها در این مسئله را توجیه میکند؟

کلیدواژه‌ها: زن، مرد، جایگاه زن، تفاوت زن و مرد، فلسفه اسلامی، فلسفه معاصر غرب، فمینیسم.

بررسی تشابه دیدگاه نوصدراییان و موج سوم فمینیسم در تفاوت عقل عملی زنانه و مردانه

سنا فیروزه^۱، سعید انواری^۲

در این مقاله، تفاوت شناخت زنانه و مردانه در حکمت صدرایی با محوریت آراء استاد جوادی آملی در مورد عقل عملی و عقل نظری زنانه و مردانه، مورد مقایسه و تطبیق قرار میگیرد. ایشان معتقد است زن و مرد در عقل نظری یکسانند، اما تفاوتی در عقل عملی دارند که این تفاوتها ریشه در شرایط اجتماعی، فرهنگی و وظایف خانوادگی آنها دارد، نه در ذاتشان. این آموزه‌ها از منظری با معرفت‌شناسی موج سوم فمینیسم قابل مقایسه است. گرچه مبانی فلسفه و کلام اسلامی با ریشه‌های تفکر فمینیستی متفاوت است، اما در نتایج بحثها تشابهات و همپوشانیهایی در اینباره مشاهده میشود. متفکران نوصدرایی با پیروی از نظریه حدوث جسمانی نفس ملاصدرا، تأثیر متقابل جسم و نفس را بررسی کرده‌اند که بنوعی با دیدگاههای فمینیستی درباره تأثیر عواطف و ارتباط بدن با تکامل عقل نظری همسویی دارد. بر این اساس، شناخت زنانه و مردانه تحت تأثیر تکامل نفس انسان و شرایط زیستی،

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران؛

sana.firoozeh@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، ایران؛ saeed.anvari@atu.ac.ir

فرهنگی و اجتماعی شکل میگیرد. این تفاوتها در کلام و فلسفه نوصدرایی و همچنین در معرفت‌شناسی فمینیستی، به تنوع در فرایند شناخت منجر میشوند. این مقاله به بررسی وجوه اشتراک این دو دیدگاه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: شناخت زنانه، معرفت‌شناسی، ملاصدرا، نوصدرائیان، فمینیسم.

زنانه‌نگری در اندیشه مولانا از منظر اخلاق پرواداری

عاطفه رنجبر دارستانی^۱، سیدمحمدعلی دیباجی فروشانی^۲

اخلاق پرواداری (مراقبت)، بعنوان یکی از نظریه‌ها در اخلاق هنجاری، بدلیل تأکید بر احساسات بجای قواعد کلی، اغلب «زنانه» و «مادرانه» تلقی میشود. این مقاله درصدد است تا شباهتهای قابل توجه میان این نظریه اخلاقی و نظام اخلاقی مولانا را با رویکرد به خداشناسی بررسی کند. مولانا در آثارش، عشق را محور اخلاق قرار داده که مانند پرواداری، از احساسات و تمرکز بر روابط انسانی نشئت میگیرد. هدف این پژوهش، کاوش این فرض است که آیا میتوان عناصر زنانه و مادرانه را به اخلاق مولانا نسبت داد؟ در این راستا، شباهتهایی چون گریز از قواعد خشک، همدلی، و توجه به تجربه‌های زیسته تحلیل میشود. با این حال، چالش گفتار دوگانه مولانا درباره زنان که گاه آنها را ستایش و گاه نکوهش کرده نیز مورد بحث قرار میگیرد. نویسنده با پیش فرض تقابل باور عرفی و باور شخصی مولانا، این دوگانگی را بررسی کرده و نشان میدهد که چگونه نظام اخلاقی او، با وجود ریشه در فرهنگی مردسالار، با ارزشهای زنانه اخلاق پرواداری همراستا میشود.

کلیدواژه‌ها: مولانا، اخلاق پرواداری، زن، عشق.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران؛ ranjibardarestani@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران؛ dibaji@ut.ac.ir

جایگاه زن در اندیشه و آثار حکمای مسلمان

فرشته ندری ابیانه*

بررسی آراء اندیشمندان مسلمان نشان میدهد که فلسفه اسلامی تنها شرح و بسط فلسفه یونان نیست. مبانی دینی و بویژه اسلامی و شیعی، خمیرمایه‌یی مناسب برای این اندیشه‌هاست. از نظر ابن‌سینا، اقسام حکمت عملی عبارتند از: «سیاست مدن»، «تدبیر منزل» و «اخلاق». مبانی این تقسیم‌بندی، شریعت الهی است و حدود و ثغور این علوم نخست با دین خدا و سپس با تصرف قوه نظریه تعیین میگردد. حکمت مدنی، چگونگی مشارکت بین افراد جامعه و راه تعاون با یکدیگر برای تأمین مصالح ابدان و بقای نوع انسانی را تعلیم میدهد. تدبیر منزل، مصالح خانه را تأمین مینماید و روابط همسران و فرزندان و والدین را تعیین میکند. حکمت اخلاقی نیز فضایل و چگونگی اکتساب آنها و نحوه پرهیز از رذائل را آموزش میدهد. در هیچیک از این آثار، بحثی مستقل درباره زنان دیده نمیشود؛ شاید به این دلیل که در آن روزگار این مسئله مطرح نبوده است. اما با کنکاش در همین آثار میتوان کلتی از این موضوع را مشاهده نمود. بنا بر حکمت الهی در ایجاد انس و محبت و مودت میان زن و مرد، این دو همچون نفس واحده‌اند. توافق میان زن و مرد

در زندگی، و صلاحیت هر دو در اداره امور و برخورداری از اخلاق پسندیده و نیکو، و اتصاف هر دو طرف به عقل و عفت و انصاف، لازمه تدبیر منزل است. از نظر ابن سینا، توجه زنان به امور مهم خانواده، همچون تربیت فرزندان و تدبیر امور، از عوامل مهم حفظ خانواده است. مبانی و فلسفه اسلامی، میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان را مشخص میکند.

کلیدواژه‌ها: فلسفه اسلامی و شیعی، ابن سینا، حکمت عملی، سیاست مدن، تدبیر منزل، اخلاق.

زن در جهان‌بینی اسلام؛ کرامتها و فرصتها

زهره نصر اصفهانی*

مطالعه دقیق آیات قرآن اثبات میکند که بر خلاف نگرشهای منفی در متهم کردن اسلام به داشتن نگاهی تبعیض‌آمیز به مرد و زن، در هیچ کتاب آسمانی و در هیچ مذهبی جز اسلام، وضعیت زنان با این گستردگی از لحاظ کمی و کیفی مورد توجه قرار نگرفته است. توجه اسلام به زنان بیش از توجهی است که به مردان دارد. رفع تبعیض و برقراری تساوی عادلانه بین زن و مرد، اعطاء استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی به زنان، بهره‌مند ساختن آنان از مالکیت فردی، هویت انسانی و شخصیت حقوقی، از جمله مواهبی است که دین اسلام برای زنان در جامعه‌ی به‌رمغان آورد که دختران خود را زنده بگور میکردند و زنان نه تنها از فرد متوفی در خانواده خود ارث نمیبردند، بلکه چون میراث او، به ارث میرسیدند؛ جامعه‌ی که در آن تعدد زوجات و طلاق، تابع قیدی خاص نبود و مردان با رسم ظالمانه ایلاء وظهار، زنان خود را در تنگنا قرار میدادند. در این شرایط است که ارزش احکام اسلام در حمایت از زنان بخوبی مشخص میشود، بویژه وقتی بدانیم که بسیاری از احکام اسلامی، مانند دیه، برخلاف ظاهر تبعیض‌آمیز آن، منافع زنان را در نظر دارد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، زن، کرامت، فرصت.

الهیات رهایی‌بخش؛ تلاش برای بازگشت به مفهوم الهی زن

مسعود احمدی افزادی*

تجربه زنانه از دین، پدیده‌ی پیچیده، چندبعدی و تاریخی است که در تقاطع میان متون مقدس، نهادهای دینی، فرهنگهای بومی و تجربه‌های زیسته شکل میگیرد. این مقاله با رویکردی تحلیلی-انتقادی و تطبیقی، به بررسی نقش دین و الهیات رهایی‌بخش در هویت‌یابی زنان، چالشهای ساختاری پیش‌روی آنان در جوامع دینی، و ظرفیتهای موجود برای بازاندیشی در تجربه دینی زنانه پرداخته است. یافته‌های پژوهش پیش‌رو نشان میدهد که نجات دین از تحریفات تاریخی در نسبت با زن در الهیات رهایی‌بخش، تنها با تفکیک دقیق میان دین اصیل-بر مبنای بازگشت به متون مقدس و اصل لطافت، ظرافت و صلابت دینی- و تفسیرهای قدرت‌محور، قبیله‌ی و مردسالار ممکن خواهد بود. الهیات رهایی‌بخش یکی از مهمترین تلاشها در این مسیر است که با نگاهی وفادارانه به متن وحی، میکوشد کرامت و عاملیت زن را در ساحت ایمان احیا کند؛ اما تنها راه نیست. از دیگر مسیرهای اصلاح و بازسازی در الهیات رهایی‌بخش، میتوان به بازخوانی نقش زنان در عصر نبوت اشاره کرد: نقش حضرت مریم بعنوان آغازگر تجسد الهی و شاهد صبور صلیب، حضور دختر پیامبر اسلام (حضرت فاطمه زهرا (س)) در حیات سیاسی-اجتماعی، استقامت عقلانی حضرت زینب (س) در دفاع از حق، و

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران؛

نقش پنهان اما مؤثر دختر زرتشت بعنوان همراه خردمندانه پیامبر. این چهره‌ها، در پیوند با سنتهای وحیانی، میتوانند الگویی برای احیای مدرن مشارکت زنان در عرصه معنویت، تفسیر و جامعه دینی فراهم کنند. نوشتار حاضر درصدد است با روشن ساختن تمایز میان اصل دین و تفسیرهای مسلط تاریخی، راه را برای نوسازی هویت دینی زنان و بازسازی پیوند آنان با دین، در افق آزادی، مشارکت، عقلانیت و لطافت قدسی هموار سازد.

کلیدواژه‌ها: تجربه دینی زنان، دین اصیل، تفسیرهای قدرت‌محور، الهیات رهایی‌بخش، مریم (س)، حضرت فاطمه زهرا (س)، زینب (س)، زرتشت، مسیح، پوروچیستا.

تحلیل فلسفی راهکارهای مختلف توانمندسازی زنان

فرشته ندری ایبانه*

توجه به نقش زنان در تشکیل خانواده و تربیت فرزندان و تفاوت رویکرد در این زمینه، مسئله توانمندی زنان را تحت تأثیر قرار داده است. هر نوع سیاست‌گذاری درمورد زنان، حقوق و وظایف آنان، و بویژه مسئله توانمندی، مبتنی بر نوع رویکرد نسبت به زن است. اساساً این بحث در گرو رویکرد به انسان و جایگاه او در نظام هستی است. بررسی موانع فرهنگی توانمندی زنان و پیشنهادهایی برای رفع آن، هدف اساسی پژوهش پیش‌رو است. در این مقاله پنج رویکرد بررسی شده است:

رویکرد اول: زنان، مادران جامعه هستند و از اینرو باید در خانه و در چارچوب نیازهای خانه توانمند شوند.

رویکرد دوم: زنان علاوه بر شغل خانه‌داری، میتوانند به شغل بیرون از خانه نیز مشغول باشند.

رویکرد سوم: زنان علاوه بر شغل خانه‌داری، باید به شغل بیرون از خانه نیز مشغول باشند.

رویکرد چهارم: در صورت بروز ناهماهنگی و تعارض میان نقش زن در خانه و اجتماع، اولویت با خانواده و مصالح آن است.

رویکرد پنجم: در صورت بروز ناهماهنگی و تعارض میان نقش زن در خانه

* عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران؛ fn1341.fn1341@basu.ac.ir

و اجتماع، اولویت با مصالح خاص زنان است. رویکرد ششم: در صورت بروز ناهماهنگی و تعارض میان نقش زن در خانه و اجتماع، اولویت به تعیین الهی و اهمیت وظیفه با توجه به مقاصد شرعی و بر پایه دین است. مؤلف ضمن بیان ادله هر گروه، رویکرد ششم را مد نظر دارد.

کلید واژه‌ها: زن، توانمندی، رویکردها و راهکارها.

عقلانیت، زن و تعالی بشر

مریم صانع پور*

جامعه ایران تحت تأثیر گفتمانهای مدرنیته غربی، ایران باستان و قرآن کریم است. در این گفتار نقش عقلانیت زنانه در تعالی بشر، با بهره‌گیری از استعدادهای نهفته در سه گفتمان مذکور بررسی میشود؛ عقلانیت زنانه که از ویژگیهای مادرانه مانند عشق، مراقبت، ایثار، دیگرخواهی، حیات‌بخشی، صلح‌طلبی و آرامش‌گستری برخوردار است؛ عقلانیتی که برخلاف عقل تمدن‌ساز مدرن، نه تنها با عشق و عاطفه مغایرت ندارد، بلکه عشق و نوع‌دوستی مقوم ذاتی آن است. چنین عقلانیتی میتواند تمدنی انسانی را رقم بزند که خشونت، دیگرستیزی، تبعیض، کشتار، برتری‌جویی و منازعات خانمان‌سوز در آن به حداقل برسد.

در این روایت زنانه از عقلانیت، انسانها به اصلی و فرعی تقسیم نمیشوند و بهیچ‌روی زنان در پی غلبه بر مردان نیستند، زیرا اصولاً ویژگیهای مادرانه زنان، زندگی‌ساز، رشدآفرین و نابودی‌ستیز است. بهمین دلیل، زنان در مقام مادران حقیقی حیات، با هرگونه تبعیض جنسیتی، نژادی، ملیتی، قومیتی، دینی، و فرهنگی مقابله میکنند تا هیچیک از فرزندان بشریت، خواه زن و خواه مرد، از حیات پویا و متعالی انسانی محروم نشوند.

کلیدواژه‌ها: زن، عقلانیت، عشق، نوع‌دوستی، تعالی بشر.

بررسی تطبیقی دیدگاه ملاهادی سبزواری و علامه طباطبایی در باره فلسفه زن بودن

قاسم اخوان*

فلسفه زن در اندیشه فیلسوفان اسلامی همواره مورد توجه بوده است. ملاهادی سبزواری و علامه طباطبایی، بعنوان دو اندیشمند برجسته حکمت متعالیه، دیدگاههایی قابل تأمل درباره حقیقت زن، جایگاه او در نظام هستی، و تفاوت‌های زن و مرد ارائه کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد تطبیقی، به بررسی آراء این دو فیلسوف درباره زن پرداخته و مبانی فلسفی آنها را تحلیل میکند. ملاهادی سبزواری، بر اساس اصول حکمت متعالیه و با تأکید بر تشکیک وجود، زن و مرد را دارای حقیقتی واحد، با تفاوت‌های وجودی میداند. از دیدگاه او، تفاوت‌های زن و مرد ناشی از مراتب وجودی و ویژگی‌های طبیعی آنهاست که در نظام احسن الهی، حکیمانه طراحی شده‌اند. در مقابل، علامه طباطبایی با تکیه بر فلسفه و تفسیر قرآنی، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، بر نقش اراده، تربیت و اختیار در رشد کمال انسانی زن تأکید بیشتری دارد. او به تبیین جایگاه زن در معرفت‌شناسی و سلوک عرفانی پرداخته و تأثیر شرایط اجتماعی بر تحقق ظرفیتهای زنان را مهم میداند.

نتایج این مطالعه نشان میدهد که هر دو فیلسوف به برابری زن و مرد در حقیقت انسانی قائلند، اما ملاهادی سبزواری بیشتر به تفاوت‌های وجودی و طبیعی توجه

دارد، درحالیکه علامه طباطبایی نقش محیط و تربیت را در شکوفایی استعدادهای زن برجسته‌تر میداند. این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی، به بررسی مبانی فکری، روش استدلال و نتایج این دو دیدگاه پرداخته و نشان میدهد که چگونه سبزواری در چارچوب فلسفه سنتی و طباطبایی با نگاهی نوگرایانه‌تر به این موضوع نگریسته‌اند. در نهایت، مقاله به این نتیجه میرسد که اختلاف دیدگاه این دو اندیشمند، ریشه در تفاوت رویکردهای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آنها دارد که تأثیری عمیق بر تبیین فلسفه زن بودن در اندیشه آنها گذاشته است. این پژوهش نشان میدهد که نگرش ملاهادی و علامه میتواند مبنای تحلیلی جامع از جایگاه زن در فلسفه اسلامی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ملاهادی سبزواری، علامه طباطبایی، فلسفه زن بودن، حکمت متعالیه، تشکیک وجود، کمال انسانی.

نسبت زن و عشق در حکمت متعالیه

علیرضا دهقانپور*

روانشناسی برای زن و مرد تفاوت‌هایی قائل است، ازجمله اینکه نقش اصلی زن را مورد عشق قرار گرفتن و محبوب واقع شدن میداند. در حکمت متعالیه، این نظر صحیح بوده و از پشتوانه برخوردار است. از نظر ملاصدرا، عشق از اسماء الهی و دارای مظاهری در هستی است. عشق الهی در همه هستی سریان و جریان دارد. اگر عشق نبود آسمان و زمین و خشکی و دریایی پدید نمی‌آمد. خداوند عاشق ذات خویش است، بهمین دلیل جهان را آفرید. ملاصدرا در تعریف عشق میگوید: محبت اگر شدت یابد، عشق نامیده میشود. او هیولی (ماده اولی) را به زن تشبیه کرده است و صورت را به مرد. هیولی، پذیرنده صورت است. فعل غیر از انفعال است. محبت فعلی، غیر از محبت انفعالی است. اگر زن به ماده و هیولی تشبیه شده است، پس عشق زن، انفعالی است، یعنی زن معشوق است نه عاشق. این نقشها نباید جابجا شود. نقش زن، محبوب واقع شدن است، از اینرو از نظر روانی حس تجمل و خودآرایی دارد و از نظر جسمی، از لطافت و زیبایی بیشتری برخوردار است و از نظر تشریعی، حق خودآرایی با طلا و جواهر و ابریشم دارد و از نظر اخلاقی، برای مدیریت جمال و حس تجمل و پرهیز از افراط، از حیایی چند برابر حیای مرد بهره دارد تا از شیء‌شدگی مصون بماند.

کلیدواژه‌ها: حکمت متعالیه، عشق، زن، محبت، هیولی.

سیر اندیشه ابن عربی از موضوع زنوارگی به مفهوم زنانگی

شیمای فتورچیان^۱، ابوالفضل محمودی^۲، مسعود احمدی افزادی^۳

این نوشتار بصورت تحلیلی-توصیفی به جایگاه زن در تفکر ابن عربی و سیر اندیشه وی و تبدیل آن از موضوع زنوارگی به مفهوم زنانگی میپردازد. او طبق حدیث پیامبر(ص) که میفرماید: سه چیز نزد من محبوب است؛ زن و عطر و نماز، زن را محبوب خویش میداند. از نظر نگارندگان، سیر تفکر ابن عربی از موضوع زن و زنوارگی، متحول شده و به مفهوم زنانگی میرسد. در پژوهشهای دانشگاهی بعضاً دچار چنین خلط بحثی شده‌اند. اما آیا ابن عربی عالم را زنانه میداند یا زنواره؟ چه تفاوتی میان زنانگی و زنوارگی وجود دارد؟ وی در بخشی از زندگی و تفکر خود، نگاهش زنواره بوده است؛ به این معنا که یک موجود، زنگونه رفتار میکند و زنوارگی آن موجود، عرضی است. این مسئله را میتوان در توصیف نظام در ترجمان *الاشواق* یا استاد سالخورده او، فاطمه قرطبی ملاحظه کرد. اما در مرحله بعد، ابن عربی از نگرش زنواره به نگاه زنانه میرسد. درواقع، رویکرد زنانه به عالم بدین معناست که زنانگی در ذات یک شیء باشد، مانند وقتی ابن عربی برخی از اسامی را ذاتاً مؤنث میداند، یا وقتی درباره فاعلیت و قابلیت عنصر زنانه در هستی بحث میکند، دیدگاه

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، اصفهان، ایران؛ fotourchian@gmail.com

۲. استاد گروه ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران؛ a-mahmoudi@srbiau.ac.ir

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران؛ masoodahmadiafzadi@gmail.com

خود را دربارهٔ سریان یک مفهوم ذاتی و انتزاعی بیان میکند. در زنانگی توصیفش عنصری و محتوایی است، اما در زنوارگی، توصیف جسمانی و دنیوی دارد.

کلیدواژه‌ها: ابن عربی، زنوارگی، زنانگی، نظام.

زن مسلمان، مدرنیته و چالش معرفتی «استنتاج باید از هست»

محسن ابراهیمی*

مسئله «استنتاج باید از هست»، یکی از چالشهای معرفتی اصلی زن مسلمان در دوران معاصر است. این چالش از آنجا ناشی میشود که انسان در اندیشه فلسفی مدرن، بر طبیعت مسلط است و بهمین دلیل، اساساً الزامات برخاسته از طبیعت را برای خود نوعی مغالطه میدانند و از آن تعبیر به مغالطه «استنتاج باید از هست» میکند. اما از سوی دیگر، در نگاه رایج فلسفه اسلامی، هویت زنانگی، برای زن مسلمان، برخاسته از طبیعت فیزیکی زن و احکام شریعت اسلام، ناظر به این مرتبه است. از همینرو، زن مسلمان با این چالش مواجه است که میان سبک زندگی مدرن و هویت زنانگی خود، باید یکی را انتخاب کند و انتخاب هر کدام، برای وی تبعات و آثاری نامطلوب بدنبال دارد. نوشتار پیشرو با روش تحلیلی - فلسفی به بررسی ابعاد مسئله فوق پرداخته و در نهایت بعنوان نتیجه، در مقام ارائه راه برونرفت از دوگانه مذکور، این مسئله را تبیین میکند که هویت زنانگی زن مسلمان، نه صرفاً ناظر به طبیعت فیزیکی، بلکه بخشی از حقیقت او، در چارچوب تعریف انسان به «حی مثاله» است.

کلیدواژه‌ها: زن مسلمان، هویت زنانگی، حی مثاله، مدرنیته، «استنتاج باید از هست».

فلسفه و جنسیت

سیمین عارفی*

اگرچه بحث از «جنس زیستی» مسئله‌ی کهن در منطق و پرداختن به «نقشهای جنسیتی» در فلسفه، مسبوق به سابقه است، اما مفهوم «جنسیت» بعنوان مقوله‌ی فلسفی متمایز از «جنس زیستی»، تنها در نیمه دوم قرن بیستم و عمدتاً تحت تأثیر فمینیستها بطور جدی مطرح شده و امروزه نیز از مباحث محوری حوزه‌های اخلاق، مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و فلسفه سیاسی محسوب میشود که اغلب با نقد دیدگاههای سنتی در این حوزه‌ها آغاز میشود؛ مبنی بر اینکه در گذشته، بسیاری از حوزه‌های فلسفی تحت تأثیر تجارب مردانه شکل گرفته و آثاری در این حوزه‌ها پدید آمده که شامل اندیشه‌های فلسفی مردانه بوده و از اینرو میتواند ذیل عنوان «فلسفه مردانه» قرار گیرد؛ درحالیکه تجربه‌های جنسیتی زنان نیز میتواند بر نحوه درک و تبیین پرسشهای فلسفی، پاسخگویی بدانها و نیز حل مسائل فلسفی تأثیرگذار باشد و منجر به پیدایش «فلسفه زنانه» شود. با وجود رواج این دیدگاه و با اینکه نمیتوان تفاوت در تجارب اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان، بویژه در حوزه اخلاق و سیاست را انکار کرد، اما پرسش اینست که آیا با توجه به انتزاعی بودن مفاهیم، ایده‌ها و مسائل فلسفی و کاربرد روشهای استدلالی و عقلی در تفکر فلسفی، میتوان فلسفه

را تحت تأثیر جنسیت‌های متفاوت به مردانه و زنانه و ... تقسیم کرد؟ یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آنست که چون در فلسفه امکان تعمیم تجربه‌های فردی وجود ندارد، یا دست کم بسادگی چنین امری انجام نمیشود. اصولاً گوناگونی در فلسفه راه ندارد.

کلیدواژه‌ها: جنس زیستی، جنسیت، فلسفه زنانه، فلسفه مردانه.

جایگاه زنان و چگونگی پرورش شایستگیهای آنان در اسناد تحولی آموزش و پرورش

امیر مرادی^۱، محسن کردلو^۲

در چند سال اخیر، مسئله جایگاه زنان و پرورش شایستگیهای آنان در نظام آموزش و پرورش بطور فزاینده‌یی مورد توجه قرار گرفته است. اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران با هدف ارتقای کیفیت آموزش و پرورش، بدنبال فراهم ساختن بستری مناسب برای توانمندسازی زنان است. این اسناد بر لزوم ایجاد فرصتهای برابر آموزشی برای دختران تأکید دارند و بطور خاص، بر تقویت مهارتهای علمی، آموزش مهارتهای زندگی و زیست عقیقانه آنها تمرکز کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه زن و چگونگی پرورش شایستگیهای او در اسناد تحولی آموزش و پرورش است. این نوشتار از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است که با روش سنتزپژوهی انجام میشود. بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع و ملاکهای ورود، ده سند تحولی آموزش و پرورش، شناسایی و با توجه به شاخصهای خروج، پنج سند حذف و در نهایت، پنج سند تحولی برای تحلیل نهایی انتخاب میشوند. داده‌ها از طریق تحلیل کیفی اسناد تحولی گردآوری شده و با استفاده از الگوی شش مرحله‌یی سنتزپژوهی روبرتس، مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند. بر

۱. استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

a.moradii@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ m.kordloo@cfu.ac.ir

اساس کدهای شناسایی شده، دو مقوله اصلی (جایگاه زن و چگونگی پرورش شایستگیهای آنان)، هشت کد محوری (جایگاه تربیتی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، دینی و سیاسی) و دهها کد باز استخراج میشوند. یافته‌های پژوهش بیانگر توجه ویژه اسناد تحولی به جایگاه زن در همه حوزه‌ها و ضرورت ارتقای سطح آموزش زنان و مقابله با هرگونه تبعیض در زمینه آموزش است. جمهوری اسلامی ایران در مسیر تدوین قوانین مورد نیاز احقاق حق آموزش زنان اهتمام ورزیده و با تدوین اسناد بالادستی متعدد، سوادآموزی زنان را در دوره ابتدایی به ۹۹٪ رسانده است که این امر بیانگر اهمیت و فهم صحیح نظام نسبت به نقش زنان در جامعه است. نتیجه‌گیری پایانی نشان داد که ارتقای شایستگیهای زنان نه تنها به بهبود وضعیت آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و... آنان کمک میکند، بلکه به توسعه پایدار جامعه نیز می‌انجامد. بمنظور تحقق این اهداف، لازم است سیاستگذاران، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان، با همدلی و همکاری در راستای ایجاد محتوای درسی مناسب و مراکز آموزش تخصصی برای زنان تلاش کنند. این گامها میتواند به تحقق عدالت آموزشی و توانمندسازی زنان در آینده‌ی نزدیک بینجامد.

کلیدواژه‌ها: اسناد تحولی، پرورش، زن، سنتزپژوهی، شایستگی.

تجلی کرامت زن در قالب نقش همسری و مادری در اندیشه و جهانبینی اسلامی

مریم احمدی*

خلقت متفاوت بشر بلحاظ زیستی موجب شده است در طول تاریخ، برخی نگرشهای حقارت‌آمیز به جنس زن، نظیر هیچ‌انگاری، ابزارانگاری و... رواج یابد. در راستای این نوع تفکر، زنان و آزاداندیشان دغدغه‌مند در حوزه کرامت و شأن زنانگی، اغلب برای تثبیت جایگاه زنانه، به پژوهش و بررسی این مهم در مکاتب مادی و الهی پرداخته‌اند. آنچه از شریعت‌های قبل از اسلام به ما رسیده و تاریخ گواهی می‌دهد، در آیین‌های تحریف شده یهودیت و مسیحیت اساساً برای زن شخصیت و کرامتی قائل نبودند، اما خدای متعال در قرآن، حدود تکریم و ارزش‌گذاری زن را معین نموده است. زن نزد خدای متعال، مثل مرد است و در طی مراتب معنوی و الهی، بین این دو جنس هیچ تفاوتی نیست و آن که این مسیر را برایش مهیا کرده‌اند، انسان است، نه مرد یا زن. این پژوهش به بررسی کرامت ذاتی زن و تشدید این کرامت در جایگاه همسری و مادری در اندیشه و جهانبینی اسلامی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در تاریخ و اندیشه اسلامی، هرچند بدلیل شأن والای زن، حضور وی در صحنه‌های مختلف اجتماعی-اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... برسمیت شناخته شده و مصادیق عینی نیز دارد، اما آرامش-بخشی خاص جنس زن که اساس و بنیان خانواده و جامعه مرهون آن است

و در قالب نقش همسری و مادری بمنصه ظهور میرسد، مهمترین تجلی ارزش و کرامت ذاتی زنانه است.

کلیدواژه‌ها: کرامت انسانی، مقام زن، برابری زن و مرد، جهانبینی اسلامی، مقام مادری، مقام همسری.

تبیین مبانی فلسفی فمینیسم مدرن و نقد آن از منظر اسلام شیعی

سیدنورالدین بهروزی نیک*

مسائل زنان در اندیشه بشری همواره از جایگاهی والا برخوردار بوده و یکی از مسائل چالش برانگیزی است که بررسی دینی و فلسفی آن بشکل مبنایی و بنیادی، حائز اهمیت است. یکی از مکاتب فکری و نحله‌های فلسفی که بطور ویژه به این موضوع پرداخته، فمینیسم مدرن است. از آنجا که قوام و دوام هر نحله و مکتب فکری وابسته به مبانی فکری و فلسفی آن است، روشنگری و تبیین این مبانی از دیدگاه اندیشه اسلامی لازم و ضروری است. بنظر میرسد خاستگاه فمینیسم مدرن بر پایه عقلانیت سکولار و اصول روشنگری، از قبیل آزادی فردی و پیشرفت اجتماعی استوار است و جنسیت را بمثابة برساخت اجتماعی و همچنین عملکرد (performative) میدانند. فمینیسم مدرن بر عقلانیت سکولار و حقوق بشر تکیه دارد، درحالیکه اسلام شیعی عدالت را مبتنی بر اراده الهی دانسته است؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰). فمینیسم بطور افراطی بر خودمختاری فردی و فردگرایی تأکید دارد، در صورتیکه سفارش اسلام شیعی بر مسئولیتهای جمعی و خانوادگی است؛ «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء/۳۶). فمینیسم جنسیت را بمثابة برساخت اجتماعی تحلیل میکند، درحالیکه

* دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ behrouzi.s.n@gmail.com

اسلام شیعی تفاوت‌های جنسیتی را بعنوان بخشی از نظام خلقت می‌پذیرد. فمینیسم به برابری مطلق در تمام عرصه‌ها تصریح دارد، در صورتیکه اسلام شیعی بر تفاوت‌های طبیعی و تکالیف متفاوت استوار است؛ «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۲۸). بتعبیر علامه طباطبایی در *المیزان* (ج ۴، ص ۸۹) تفاوت‌های جنسیتی در اسلام بمعنای نابرابری نیست، بلکه بمعنای تقسیم مسئولیت‌هاست. این دو، اشتراکاتی نیز دارند، از جمله تأکید بر کرامت انسانی، برخورداری از شرایط برابر آموزشی، مبارزه با خشونت خانگی که در اسلام در نقد فرهنگ جاهلیت و در فمینیسم مدرن در قالب جنبش‌هایی «می تو» (Me Too) بروز می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: فمینیسم مدرن، اسلام شیعی، عقلانیت سکولار، جنسیت.

تبیین کرامت زن بر اساس آموزه‌های قرآنی

قدسیه حبیبی *

بر اساس آیه ۷۰ سورة اسراء که در آن آمده است: «و لقد کرما بنی آدم...»، کرامت در اسلام امری جنسیتی نیست که آن را منحصر به مردان یا زنان بدانیم. کرامت امری فراجنسیتی است که ابتدا، هر انسانی از آن بصورت بالقوه برخوردار است. منشأ این کرامت بالقوه، استعداد و توانایی انسان در کسب کمالات و رسیدن به مقام انسانیت است. از نظر اسلام، نوع انسان که اعم از زن و مرد است، میتواند به کرامت بالفعل که همان انسانیت بالفعل است و مسیر آن توسط خداوند مشخص شده، نایل شود.

از مهمترین عواملی که سبب رشد و تکامل انسانها میشود، تقواست که در این امر هم، در اسلام تفاوتی میان زن و مرد نیست. بر اساس فرمایش الهی، «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳)، معیار کرامت انسانها، تقواست. بنابراین، زنان همچون مردان، میتوانند از طریق ایمان و عمل صالح، به مراتب والای معنویت برسند؛ چنانکه حضرت زهرا(س)، نمونه انسان کامل بودند. از برجسته‌ترین موانع کسب کرامت نیز میتوان به جهل و غفلت اشاره کرد؛ که زنان و مردان هر کدام دچار آن شوند، از رسیدن به کرامت بالفعل محروم خواهند شد.

در نتیجه بر اساس دین مبین اسلام، زنان در کسب مقامات معنوی با

محدودیتی مواجه نیستند و میتوانند با بهره‌گیری از آموزه‌های الهی، از کرامت بالفعل برخوردار شوند.

کلیدواژه‌ها: کرامت، زن در قرآن، تقوا، انسانیت، موانع کرامت.

بررسی جایگاه زن در جهان بینی یهودی- مسیحی و اسلام

زهره سادات موسوی*

امروزه جایگاه زن در ادیان ابراهیمی، موضوعی بحث برانگیز در سطح دانشگاهی و رسانه و گاه با ابعاد سیاسی است. با وجود شباهت‌های زیاد این ادیان، در کتب مقدس و تفاسیر آنها، تعبیری متفاوت از نوع خلقت و نقش زن دیده می‌شود در این میان، تأثیر آموزه‌های *تورات* برای تضعیف و تحقیر شخصیت زنان در طول تاریخ غرب قابل توجه است. داستان پیدایش، خلقت حوا را از دندهٔ آدم می‌داند درحالی‌که روایت تمثیلی اهل سنت در اینباره مورد قبول شیعه نیست. *تورات* می‌گوید این حوا بود که آدم را برای نافرمانی و خوردن از میوهٔ ممنوعه اغوا کرد و باعث هبوط آنها به زمین و میرا شدن انسان شد. مجازات زنان در کتاب پیدایش، زایمان، اطاعت از مردان و در برخی از تفسیرهای یهودی، رعایت پوشیدگی است و پوشش سر بعنوان نشانهٔ شرمندگی و عزاداری و راهی برای جلوگیری از جذابیت زن تلقی می‌شود و نشانهٔ تعلق و تأهل زن که دارایی شوهر است. این موضوعات مورد قبول اسلام نیست و در دهه‌های اخیر تحت انتقادات فمینیستی بوده است. البته بنا بر تنخ و تلمود، زنان پارسا، از جمله هفت نبیه، کمتر جایگاه تحقیرآمیز داشته و موقعیتهایی مانند مشاور و داور را در اختیار داشته‌اند. بطور خاص در مسیحیت، نسبت به جایگاه زنان دوگانگی وجود دارد. از رویکرد حضرت

عیسی (ع) در *اناجیل*، برابری زن و مرد درک میشود ولی پل بر فرودستی زنان و لزوم اطاعت آنها از مردان، تحت سلسله مراتب خدا، مسیح، مرد و زن تأکید کرده است. البته امروزه، نگرش مسیحیان درمورد زنان بطور چشمگیری از زمان گذشته متفاوت است، بویژه بعد از واتیکان دو، آراء برابری طلبانه و مکمل گرایانه درباره زنان معرفی شد که آموزه اولویت مرد را بر اساس نقشهای جنسیتی ارائه میدهند که «برابر اما متفاوت» است، که بنظر اسلام نزدیک است.

کلیدواژه‌ها: جایگاه زن، یهود، مسیحیت، اسلام.

مطالعه تطبیقی پیرامون زن در جهانبینی غرب و اسلام

ساره تقوایی*

از دیرزمان، زن و زنانگی از زوایای گوناگون اعم از جنسیتی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و اجتماعی، تربیتی و... مورد مذاقه قرار گرفته است. این نوشتار درصدد است فراتر از نگاه افراطی و تفریطی و با محوریت منزلت والای زن، رفع تبعیض و استفاده ابزاری، به جایگاه و نقش آفرینی زن در دو جهانبینی اسلام و غرب بپردازد. یکی از مهمترین یافته‌های این پژوهش، ضرورت و لزوم تعریف صحیح و مفهوم‌شناسی زن، شناسایی نیازها و اقتضائات زنانگی و راهکارهای حل مسائل زنان است؛ زیرا هر قصور یا تقصیری در اینباره آسیب‌زا بوده و هست و واقعیتهای موجود در گزارشهای تاریخی جهان نیز گواه این مطلب است. رهاورد این تطبیق، نوع نگاه همه-جانبه و تمام‌عیار جهانبینی اسلامی درمورد حقوق مادی و معنوی زن است که برگرفته از علم مطلق خالق و آفریدگار زن بوده است. استاد جوادی آملی درباره جمال و جلال الهی چه زیبا گفته است: چون ذات اقدس خداوند منزّه از آنست که بدون مجالا و مظهر مشاهده شود، هر مظهري که بیشتر جامع اسماء و اوصاف الهی، باشد بهتر خدا را نشان میدهد و زن در مظهریت کاملتر از مرد است بحث جایگاه واقعی زن، حقوق زن، کرامت زن همه و همه در آینه زلال وحی، خوانشی بس جامع و زیبا پیدا میکند قطعاً با شناخت

* عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران؛

واقعی ماهیت و هویت، میتوان مسائل مرتبط ازجمله: خانواده، تعالی بشر، تربیت نسل آینده، تولیدمثل و جوان‌سازی جمعیت، مدیر داخلی بودن زن در خانواده را مطرح کرد. واقعیت اسفبار جوامع امروزی غرب و بتبع آن جوامع دیگر، نگاه فمینیستی به جایگاه و حقوق زن، استفاده ابزاری از زن، نادیده گرفتن عقلانیت و تمرکز بر بعد احساسی و ... است که آینده تربیتی بشریت را بخطر افکنده است.

در پایان به این نتیجه رسیده‌ایم که در معاهدات بین‌المللی با وجود جریانهای فمینیستی، هنوز تبعیض علیه زنان یا عدم توجه با ساختار خاص وجودی زن، دیده میشود و این نکات مهم مغفول مانده است. این در حالی است که در جهانبینی اسلامی، زن ریحانه‌یی است که اگر گوهر وجودی خویش را نیک دریابد، با عنایت به کرامتها و فرصتها، به رشد و تعالی خویش کمکی شایان میکند. قطعاً این جهانبینی، وظایف مردان را نیز در شکوفایی این استعدادها بخوبی و با جدیت متذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: جهانبینی غرب، جهانبینی اسلام، جوادى آملی، کرامت زن، جریانهای فمینیستی.

بررسی خاستگاه فمینیسم در ایران

نبی توان^۱، غزاله پورجعفری^۲

فمینیسم بمعنای اعتقاد به قرار گرفتن زنان در وضعیت فرودست و تلاش برای رفع این فرودستی، و رسیدن به برابری عمومی و حقوقی زن و مرد است. در موج اول فمینیسم، فمینیستها فقط بدنبال ابعادی از برابری زن و مرد، بویژه برابری آنها در حوزه مشارکت اقتصادی و سیاسی بودند؛ مثلاً در اروپا، خواهان برسمیت شناخته شدن مالکیت زنان بودند. فمینیسم رأی انسانی را مصدر تصمیمگیری میداند و در این دیدگاه، حرف آخر را انسان میزند؛ بنابراین اگر کسی علم دفاع از حقوق زنان را با نام حاکمیت خداوند بلند کند، نمیتوان به او فمینیست گفت و بر این اساس جریان فمینیسم را باید از جریان دفاع از حقوق زن جدا کرد؛ گرچه فمینیستها میکوشند برای خودشان گذشته‌سازی کنند و تاریخ مبارزات زنان در دفاع از حقوق خود را فمینیستی تلقی نمایند.

کلیدواژه‌ها: جایگاه زن، فمینیسم، حقوق زن، جریانهای فمینیستی، زن در اسلام.

۱. دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، خمین،

ایران؛ nabe1366@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران.

تبیین نقش و اهمیت ایزدبانوان اوستایی در منظومه فکری و اندیشه‌ی ایران باستان

سیده آمنه میرخوشخو*

ایزدبانوان یا خدایان مؤنث، گروهی از ایزدان مورد پرستش مردمان عصر باستان هستند که در زمرهٔ ایزدان تأثیرگذار و معنابخش زندگی باستان بوده‌اند. با نگاهی اسطوره‌شناسی و تحلیلی درمی‌یابیم که جهان معنوی باستان بدون درک حضور زنانگی آشکار در الهگان مؤنث، نارسا و ناقص خواهد بود. ایزدبانوان نه تنها در بیشتر تمدنهای باستانی، همچون تمدنهای یونانی، بین‌النهرین و ... مورد توجه بوده‌اند، بلکه بطور خاص با اندیشهٔ ایران باستان و ستایش از ایزدبانوان ایرانی ارتباط دارند. درحقیقت تلاشی که در این نوشتار پی گرفته میشود، حاکی از مطالعهٔ آثار برجامانده از دوران کهن ایران باستان، روخوانی و تحلیل متن‌نشریه‌های فرامین پادشاهان، روخوانی و تحلیل ستایشها و مناجاتهای دینی ایران باستان همچون متون اوستایی است تا به تبیین نقش و جایگاه الهگان زن یا خدایان مؤنث در سامان فکری-معنوی ایران باستان پرداخته شود. حضور معنوی زنان در فروزهای اهورامزدا بشکل امشاسپندان مؤنث-شامل اسپندارمذ، هروتات و امرتات-جلوه‌گر میشود که هر یکی از مظاهر ششگانهٔ اهورامزدا هستند. بعدها این حضور معنوی زنانه بشکلی صریحتر و روشنتر در ایزدان باستانی تحت

عنوان ایزدبانوان نمایان میشود که در /وستا از آنها نام برده شده است. از میان ایزدبانوان اوستایی که در یشتها از آنها بطور مفصل یاد شده و بعضی از آنها دارای بخشی مجزا در یشت هستند، میتوان به دئنا، چیتا، آشی، آناهیتا، اشتاد و مارسپند اشاره کرد. بررسی اسطوره‌شناختی این ایزدبانوان نشان میدهد که آنها نماد اندیشیدن، شناختن، دانش و معرفت، روشنایی و کلام و سخن بودند؛ مفاهیمی که بنیاد فکری و اندیشه‌ی جهان باستان را در سیطره خود دارد.

در مطالعات اسطوره‌شناسی و در یافته‌های باستان‌شناسی حضور ایزدبانوان بشکل تندیسها و معابد کشف شده مربوط به ایزدبانوان، برسمیت شناخته شده‌اند. بنظر میرسد پرستش ایزدبانوان از نظر تاریخی و قوم‌شناسی، همزمان با عصر مادرسالاری یا مرکزیت گروه بر مدار مادرزن است. همزمانی این دو-مادرسالاری و ایزدبانویی-در زمانی پیشتر و بسیار جلوتر از عصر پدرسالاری، گواهی است بر این موضوع که ایزدان تأثیرگذار در گذشته، مؤنث بوده‌اند و بمرور در فرایند جامعه‌شناختی و تحولات قوم‌شناسی و تحت تأثیر فرایند انتقال قدرت از زنان-مادران به مردان-پدران از نقش آنها کاسته شده است؛ فرایندی که در آن زنان همزمان با عبور از عصر مادرسالاری، اهمیت معنوی و ایزدگونی خود را نیز از دست دادند.

کلیدواژه‌ها: ایزدبانوان، /وستا، ایران باستان، خدایان مؤنث، اهورامزدا، مادرسالاری، یشتها.

بازاندیشی جایگاه زن در گفتمان عقلانیت و تعالی بشری: از حاشیه‌نشینی تاریخی تا الگوی پیشران معاصر

محمود صیدی^۱، الهام صدرپور^۲

در طول تاریخ فلسفه، برغم تأکید بر جهان‌شمولی عقلانیت، زنان بصورت نظاممند از دایرهٔ فاعلیت فلسفی حذف شده‌اند. این پژوهش با روش تحلیلی-انتقادی به بررسی این پارادوکس اساسی میپردازد که چگونه فیلسوفان کلاسیک، مانند کانت و هگل که عقلانیت را موهبتی همگانی میدانستند، در عمل، زنان را از این موهبت محروم کرده‌اند، حال آنکه خود محصول تربیت زنانی بودند که ظرفیتهای عقلانی آنان را شکوفا ساختند. یافته‌ها نشان میدهد که این تناقض ریشه در ساختارهای سنتی جوامع داشته است. در مقابل، بررسی آثار فیلسوفان زنی مانند هایپاتیا در یونان باستان، بانو امین در جهان اسلام و سیمون دوبووار در دوران معاصر، گواه ظرفیت برابر زنان در تولید معرفت فلسفی است. پژوهش پیش‌رو با ارائهٔ راهکارهای سه‌گانه دربازنویسی متون درسی، اصلاح ساختارهای آموزشی و تأسیس نهادهای پژوهشی ویژه، الگویی جدید برای احیای نقش زنان در گفتمان فلسفی پیشنهاد میدهد. نتیجه‌گیری اصلی تحقیق تأکید دارد که تحقق تعالی بشری در گرو عبور از دوگانه‌های کاذب جنسیتی در بحث عقلانیت انسانی و

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛

برسمیت شناختن و نهادینه ساختن فلسفه‌ورزی زنان بعنوان نیمی از پیکره بشریت که سهمی اساسی در تربیت جامعه دارند، است.

کلیدواژه‌ها: زن، عقلانیت، تعالی بشر، تاریخ فلسفه، فلسفه تاریخ، آموزش فلسفی.

جایگاه و حقوق طبیعی زن؛ نگاهی فلسفی و آینده‌پژوهانه

علی اصغر یزدان‌بخش*

آگاهی و شناخت، علاوه بر تأثیر بیبدیل در هویت و شخصیت انسان، در دنیای معاصر نیز بعنوان یکی از ابزارهای قدرتمند در شکلهی به گفتمانهای اجتماعی و سیاسی است و هنگامی که این آگاهیها بنیادین باشند و با نگاهی فلسفی، حقوق طبیعی زن را مورد نظر داشته باشد، اهمیت پژوهش دوچندان میگردد. این نوشتار به بررسی مواردی مهم از مبانی فلسفی حقوق طبیعی زن پرداخته و میکوشد با تبیین پایه‌های معرفتی و ارتقای آگاهی در این رابطه با نگاهی آینده‌پژوهانه، زمینه‌سازی شکلهی به گفتمانهای اجتماعی مطلوب در این راستا را در نظر داشته باشد.

روش این تحقیق کتابخانه‌یی است، بگونه‌یی که با استفاده از منابع مکتوب، شامل مقاله و کتاب و... به تبیین و بررسی نظریات فیلسوفان مختلف، از جمله آثار فلسفی کلاسیک و معاصر، پرداخته شده و چالشها و نواقص موجود در تبیین حقوق طبیعی زنان در این متون مورد نقادی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان میدهد که برقراری یک فهم فلسفی درست از جایگاه و حقوق طبیعی زن، میتواند در آینده به ترویج عدالت اجتماعی و احترام به حقوق بشر و ترویج کرامت زن و ارتقای حقوق آنان در جامعه منجر شود. این مقاله در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای تقویت گفتمانهای فلسفی درمورد حقوق

* دانش آموخته دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛

طبیعی زنان و تأثیر آن بر سیاست‌گذاریها و الگوهای اجتماعی میپردازد.

کلیدواژه‌ها: حقوق زن، آینده پژوهی، هویت زن، چالشهای معاصر، عدالت اجتماعی.

نقش و جایگاه زن در هندسه نظام آفرینش و تعالی جامعه بررسی موضوعی از دیدگاه قرآن و روایات و نگاه اندیشمندان مسلمان

قدسیه سادات هاشمی دولابی^۱، عباس رجائی^۲

نقش زن در مقام مادر در تربیت فرزندان و جایگاه او بعنوان مرکز ثقلی در جهان آفرینش، در تبیین ارزشهایی همچون حجاب، عفاف و پاکیزگی روح و جسم از پلیدیها، ازجمله موضوعاتی است که در عصر وارونگی ارزشها در جهان مادی امروز که این وارونگیها خود دارای ارزش شده، اهمیت بسزایی دارد. از سوی دیگر، زنگارهای کج اندیشی متحجران و مقدس مآبانی که قرن‌ها زن را از برخی حقوق فردی و اجتماعی وی محروم کرده بود، باعث شده زن جایگاه خود را از دست داده و در کنج عزلت، شهروندی درجه چندم تلقی گردد و بجای نقش آفرینی در هندسه نظام آفرینش، مهجور بماند.

اما در طول تاریخ زنانی را مشاهده میکنیم که تاریخ ساز شده و جریان حاکم بر تاریخ را تغییر دادند و ریل حرکت قطار تمدن بشری را دگرگون ساخته‌اند و بهمین دلیل، اندیشمندان مسلمان، بویژه اندیشمندان عصر اخیر، به زن بعنوان یک انسان والای تمدن ساز و تربیت کننده نسل فرهیخته نگریسته‌اند. این نوع نگرش به زنان تا آنجا پیش میرود که صلاح و فساد یک جامعه، در

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا، ورامین، ایران؛ hashemigh14@gmail.com

۲. مدیرعامل بنیاد علمی، فرهنگی و اجتماعی شهدای رجائی؛ barajaci39@gmail.com

گرو صلاح و فساد زنان آن جامعه است و زن تا آنجایی اوج میگیرد که مظهر تحقق آمال بشر میگردد.

این نوشتار درصدد است با استفاده از روش کتابخانه‌یی و تحلیلی و بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات، رویکرد اندیشمندان مسلمان درمورد جایگاه زن در منظومه و هندسه نظام آفرینش و نقش آنان در تعالی جامعه را بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: زن، هندسه آفرینش، تمدن‌سازی، تعالی جامعه.

بررسی تطبیقی جایگاه زن در جهانبینی فلسفی غرب و اسلام

زهرآ عباسی*

مسئله زن و جایگاه او در هستی، یکی از بنیادین‌ترین مباحث در فلسفه، دین، فرهنگ و اندیشه‌های اجتماعی است که همواره محل مناقشه و تأمل بوده است. این مقاله با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، به بررسی نسبت زن با هستی و جامعه در دو جهانبینی غربی و اسلامی می‌پردازد. ابتدا با تبیین چارچوب مفهومی و فلسفی، مؤلفه‌هایی چون مفهوم زن در نسبت با عقل، طبیعت، زبان، تاریخ و سیاست مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سپس، در بخش «زن در جهانبینی غربی»، مسیر تطور اندیشه فلسفی درباره زن از یونان باستان تا عصر مدرن و معاصر، از تلقی ابزارانگارانه و طبیعت‌محور در فلسفه افلاطون و ارسطو تا نگاه عقل‌گرایانه و سوژه‌محور دکارت، کانت، روسو، نیچه، فروید و هگل و همچنین نقدهای بنیادین جریانهای فمینیستی معاصر نسبت به این سنت فلسفی، سیر انتقادی نگرش غربی به زن تحلیل میشود. در ادامه، نحوه شکلگیری جریانهای فمینیستی و نقد آنان به سنت فلسفی مردسالارانه غرب، بویژه با تأکید بر آراء سیمون دوبووار، ژولیا کریستوا، لوس ایریگاری و دیگر متفکران برجسته، بررسی میگردد. اما در دیدگاه اسلامی، درباره زن تمرکز بر منابع وحیانی و نظام فلسفی-اسلامی است. جایگاه زن در اندیشه متفکرانی چون فارابی،

ابن سینا، سهروردی، ابن عربی، ملاصدرا، علامه طباطبایی و استاد مطهری، گویای رویکردی انسان‌شناسانه، متعادل و کرامت‌محور به زن است. در این رویکرد، زن دارای ظرفیت کامل رشد عقلانی، معنوی و اجتماعی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درحالی‌که جهان‌بینی غربی در تعریف زن درگیر نوعی بحران مفهومی و نظری است، جهان‌بینی اسلامی با بهره‌گیری از مبانی فلسفی و الهیاتی و توحیدی خویش، تصویری توازن‌یافته، نگرشی انسانی و غایت‌مدار و کرامت‌محور از زن ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: زن، فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، انسان‌شناسی، فمینیسم، جنسیت.

تبیین جوهرشناسی اندیشه زحاحدید: نسبت فلسفه معماری زحاحدید با تبدل جوهری در حرکت استکمالی

جانا عربزاده*

جوهرشناسی جایگاه زنان در دریای ژرف اندیشه فیلسوفان جهان اسلام، بویژه صدرالمآلهین، با رویکردها و تفاسیر مختلفی مواجه شده است. تحلیلها پیرامون موارد یاد شده از ملاصدرا و برخی آیات قرآنی، از یک منظر زنان را در مرتبه‌یی اولی و برابر با مردان و از منظری دیگر، جایگاه پایینی برای آنها قائل شده‌اند. در تمامی ادوار تاریخی شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف جامعه بشری بوده‌ایم که در پی پیشبرد علم یا مبانی عقلانی یا هنر بوده‌اند، اما مسئولیتهای زندگی خانوادگی که بر دوش آنها گذاشته شده، نامشان را کمرنگتر نموده است، و برخی تفاسیر شارحان از آیات و روایات، جایگاه زنان را تنزل داده است. حتی در متون ادبی نوین نیز مردان را خود و زنان را دیگری انگاشته‌اند. اما پرسش مطرح شده اینست که آیا تاکنون شاهد فعالیت‌های خارق‌العاده این دیگری در عالم نبوده‌ایم؟ پژوهش انجام شده با در نظر گرفتن تواناییهای زنان در عرصه‌های مختلف و با نگاه بیطرفانه به تفاوت زنان و مردان، بدنبال تبیین مقام زنان در هستی است. بدین منظور، با تحلیل جایگاه زحاحدید، در مقام یک بانوی مسلمان معمار و سردمدار مکتب فولد در عرصه معماری که تماماً بر بنیاد تفکرات فلسفی شکل گرفته

* دانش آموخته دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران؛
j.arabzadeh@yahoo.com

است، به تحلیل ساختار اجتماعی شکل گرفته از این وجود نازنین که جنبشی در عالم معماری داشته، پرداخته شده است. جوهرشناسی ساختار فکری زحاحدید بر بنیاد فلسفه حرکت متعالی صدرالمتألهین یک تبدیل جوهری در نظام فکری معماری نوینی بوده که شاهکارهایی را برجای گذاشته و بار دیگر اندیشه معماران را با عالم فلسفه گره زده است.

کلیدواژه‌ها: حرکت جوهری، زنان، معماری، زحاحدید.

بررسی تطبیقی مفهوم عدالت جنسیتی در اندیشه ملاصدرا و سیمون دوبووار

سیدنورالدین بهروزی نیک*

در تاریخ اندیشه دینی و فلسفی، یکی از مهمترین دغدغه‌مندیها و مسائل در حوزه عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی بوده که ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول کرده است. ملاصدرا، فیلسوف شیعی قرن یازدهم هجری قمری، و سیمون دوبووار، فیلسوف فمینیست قرن بیستم میلادی، دو چهره برجسته در دو سنت فکری متفاوتند که به این مسئله پرداخته‌اند بنظر میرسد بررسی تطبیقی آراء این دو نه تنها دارای اهمیت، بلکه ضروری است. در زمینه مبانی فکری و فلسفی، ملاصدرا بر اساس فلسفه اسلامی، بویژه حکمت متعالیه، به مسئله عدالت جنسیتی میپردازد. او بر مبنای اندیشه وحدت وجودی، معتقد است همه موجودات تجلیات خداوندند و در این وحدت، تفاوت‌های جنسیتی اهمیت ذاتی ندارند. سیمون دوبووار بر اساس فلسفه اگزیستانسیالیستی، به مسئله عدالت جنسیتی پرداخته و بر این باور است که جنسیت نتیجه بر ساخت اجتماعی است و هیچکس زن دنیا نمی‌آید، بلکه زن میشود. ملاصدرا به تساوی در کمالات معتقد است، به این معنی که زنان و مردان به یک اندازه از توانایی رسیدن به کمالات عقلی و روحی برخوردارند و تفاوت‌های جنسیتی و طبیعی را بعنوان بخشی از نظام آفرینش میپذیرد، اما

* دانش آموزخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد تهران؛ مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران،

این تفاوتها را بمعنای نابرابری ذاتی نمیداند و عدالت جنسیتی را در چارچوب عدالت الهی و نظام احسن تحلیل میکند. ملاصدرا به نقد فرهنگهایی میپردازد که زنان را ناقص‌العقل یا پایتتر از مردان دانسته‌اند. او بر ضرورت آموزش زنان برای رسیدن به کمالات عقلی تأکید دارد. سیمون دوبووار بدنبال برابری مطلق زنان و مردان در تمام عرصه‌های زندگی است، وی مردسالاری را بعنوان نظامی که همواره زنان را نادیده میگیرد و باعث میشود زنان در حاشیه بمانند، بررسی کرده و بر حق زنان بر بدن خود و آزادی در انتخابهای شخصی تصریح دارد. بطور کلی، دوبووار به نقد ساختارهای اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی میپردازد که زنان را تحت ستم قرار میدهند، و خواستار تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی برای تحقق برابری جنسیتی است.

کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، سیمون دوبووار، زن، عدالت جنسیتی، برابری جنسیتی.

آثار تحولات مفهومی جنسیت در اسناد بین‌المللی و نحوه مواجهه فعال جمهوری اسلامی ایران

فاطمه قاسم‌پور*

سیر تحول مفهوم جنسیت، از تفکیک اولیه میان جنس (ویژگیهای زیست‌شناختی) و جنسیت (برساخت اجتماعی-فرهنگی) آغاز میشود و پس از آن، با نظریه‌پردازیهایی که رخ داده و تحولات نظری و مبنایی که طی کرده است، تعبیری مانند «نوزاد با جنس بدنیا می‌آید و جنسیت او تکوین می‌یابد» و جنسیت جمع رفتارهای والدین، همسالان و مفاهیم فرهنگی مرتبط با زنان و مردان درباره رفتار، شخصیت، علاقمندیها، وضعیت، ارزش و... است، را در بر میگیرد. این نظریات در قرن اخیر توسط جریانهای فلسفی غرب پیرنگهایی متنوع بخود گرفته و در آخرین تحولات با ارائه ایده سیالیت جنسیت توسط باتلر، گرایشهای جنسی به ادبیات نظری مطالعات زنان و جنسیت وارد میشود. او فرض وجود یک نظام جنسیتی دوگانه را نفی میکند و این رویکرد فلسفی که جنسیت رابطه‌یی تقلیدی با جنس دارد و انعکاسی از جنس است، یا در محصوریت جنس است، غیرقابل پذیرش میداند. باتلر با اشاره به نوزادانی که با اندامهای تناسلی مبهم متولد میشوند، استدلال میکند که جنس نیز برساخت اجتماعی است. خلق این ادبیات نظری در اسناد بین‌الملل جایگاه پیدا کرده و امروزه وقتی صحبت از برابری جنسیتی میشود، مراد نه تنها

* دانش آموخته دکتری فلسفه تطبیقی، دانشگاه علامه طباطبائی، عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و

خانواده، تهران، ایران؛ fateme.ghasempour@gmail.com

برابری مطلق بین زن و مرد، بلکه حتی رفع تبعیض از گرایشهای جنسی LGBTQ را مدنظر قرار میدهد. با تورم اسناد سیاستی سازمانهای بین‌المللی در موضوع زنان و جایگاه رفع تبعیض بر مبنای نظام فلسفی غرب از گرایشهای جنسی، ایده عدالت جنسیتی بتنهایی پاسخگو نیست و رفع ابهام از مفاهیم سیاستی ویژه جمهوری اسلامی ضروری است. در این پژوهش، ضمن مرور تحول مفهوم جنسیت و جایگاه این مفهوم تحول یافته در اسناد بین‌المللی، مواجهه فعال جمهوری اسلامی ایران تبیین میگردد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، برابری جنسیتی، گرایشهای جنسی، اسناد بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران.

زن متعالی از منظر عقلانی-وحيانی

امين دهقانی *

حقيقت انسان در طول تاريخ همواره مورد بحث و نظريه‌پردازي بوده است؛ از نظريات مادي با تنوع مختلفش گرفته تا نظريات الهي با بلندي افقش. نظريات منفصل از رويکردهای وحيانی، از تصوير کشيدن ابعاد وجودی انسان و غايت و کمال او عاجز بوده‌اند. بررسيهای انسان‌شناختی بايد بر مدار عقل برهانی و نقل وحيانی ببار بنشينند. بررسي انسان در قامت زن، پيچيدگی کار را دو چندان ميکند. تنها نظريات مبتنی بر برهان عقلانی و نقل وحيانی توان تصوير کشيدن جایگاه و حقيقت زن، و ارتباط اين حقيقت با مؤلفه‌هایی همچون کرامت، عقلانيت، آزادی، اخلاق، عرفان، پوشش و عفاف، فطرت، سعادت، مظهریت و حیات حقیقی را دارد. زن بعنوان مظهری از مظاهر خداوند سبحان، در صورت در پيش گرفتن طریقی که برای آن خلق شده، میتواند به بالاترين مراتب وجودی نایل آید، و نه تنها الگویی برای زنان، بلکه الگویی برای انسان شود. اين رشد و تعالی در گرو اموری از اين قبيل است: فراروی از مراتب مادون، بکارگیری عقلانیت، تبلور فطرت الهي، اتصاف اخلاق، تحقق آزادی راستين (در قبال آزادی کاذب)، تجلی حیات حقیقی و انسانی (در برابر حیات نباتی و حیوانی)، رسيدن به کرامت (در قبال رذالت) و سعادت (در مقابل شقاوت) و درنهایت، کسب بالاترين درجه مظهریت از

* دانش‌آموخته دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه فردوسی، مشهد، ايران؛

dehghanni.amin.67@gmail.com

حقیقة الحقایق و خداوند متعال. نوشتار پیش‌رو با محور قرار دادن این مؤلفه‌ها، با رویکرد عقلانی-وحيانی و با تأکید بر اندیشه‌های فیلسوفان حکمت متعالیه، به ترسیم جایگاه زن متعالی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: زن، کرامت، عقلانیت، آزادی راستین، حیات حقیقی، عفاف، فطرت، اخلاق، عرفان، سعادت.

آینه‌های شکسته؛ عقل مردانه و عقل زنانه

زهره حاجی شاه‌کرم*

از ابتدای دهه نود تاکنون، جریان معرفت‌شناسانه‌یی در حوزه فمینیسم ظهور کرد که منظر انتقادی به تکوین و گسترش تفکر فلسفی در تمدن بشری دارد. این رویکرد نه خواهان برابری زن و مرد و نه مقابله با ظلم و اجحاف بر زنان و نه برتری‌جویی زنانه بود، بلکه رویکردی سراسر متفاوت در جنبش زنان در تاریخ فمینیسم بشمار می‌آید که بر تفکر فلسفی و وجه معرفت‌شناسانه تأکید دارد. این رویکرد گرچه نظریه‌یی با توجه گسترده است اما دارای اشکالات بسیاری بود که میتوان با بازخوانی بنیادین فلسفه فارابی و ابن‌سینا به آن پاسخ داد. فمینیسم در موج چهارم، امروزه، داعیه برابری قلمرو معرفتی را جستجو میکند. عقل مردانه، فلسفیدن مردانه، هنر مردانه و بالأخره، اندیشیدن مردانه، مفاهیم مهم در این موج محسوب میشوند.

معرفت‌شناسی فمینیستی با این ادعا تأکید دارند که تاکنون هیچ توجهی به معرفت بر اساس ویژگیهای بنیادین زن صورت نگرفته و تمامی مفاهیم فلسفی مبتنی بر معرفت مردانه است، که چنین غلبه‌یی میتواند مورد نقد اساسی قرار گیرد. عبارتی، آنان معتقدند اولاً، نباید مفاهیم مسلط معرفت مردانه را بر همه ساحتها، از جمله تفکر و اندیشه زنانه حاکم کرد؛ ثانیاً، تفاوت اساسی میان این دو نظام معرفتی وجود دارد و عدم شناخت صحیح این

تفاوت‌ها سبب شده است نظام معرفتی زنانه مورد غفلت قرار گیرد. ثالثاً، ادعای اصلی آنها اینست که ما میتوانیم با چرخشی معرفتی، آشکار سازیم که نتایج حاصله از معرفت زنانه میتواند کاملاً متفاوت از فلسفه‌یی باشد که در حال حاضر بر جریان فکری بشر حکمفرمایی میکند و محصول نظام معرفتی مردانه است. در فلسفه کنونی، احساسات، عواطف، ویژگیهای غریزی -آنچنانکه نیچه نیز بر آن تصریح میکند- و مناسبات لطیف و ظریف مبتنی بر عواطف و احساسات میان انسانها، کاملاً نادیده گرفته شده است. علت اصلی آنست که بنیانهای معرفتی مردانه که توجهی به این معانی نداشته‌اند، بر تاریخ فکر بشر مسلط شده و مفاهیم فلسفی بر اساس عقل مردانه شکل گرفته‌اند؛ بهمین دلیل بسیاری از چالشهای مربوط به حوزه‌های احساسات و عواطف بشر لاینحل مانده است.

حقیقت اینست که تاکنون پاسخی بنیادین بر اساس تفکر فلسفی رایج -اعم از فلسفه غرب و اسلامی- به مدعیات معرفتی تفاوت زن و مرد داده نشده است. امروزه، کوششهای بسیاری در میان متفکران در مواجهه با فمینیسم معرفت‌شناسانه صورت گرفته است. بعضی اشکال اصلی این جریان، یعنی چیرگی تاریخی عقل مردانه در فلسفه را پذیرفته و کوشیده‌اند بنیانهای عقل مذکر را نقد کنند. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند چیرگی عقل مردانه، وضعیت طبیعی تفکر فلسفی است. امروزه این پرسش تبدیل به مناقشه‌یی مهم گردیده و بسیاری از متفکران در حوزه فمینیسم و فلسفه درگیر آن هستند. منظر اصلی ما دفاع از رویکرد موازن‌سازی یا تعادل‌بخشی تناسبی است.

ایده ما در نوشتار حاضر اینست که با بازخوانی تفکر عقلی-اسلامی، یعنی با تأکید بر فارابی و ابن‌سینا، میتوان با پرسش مهم و اساسی معرفت‌شناسی مردانه و زنانه، مواجهه‌یی صحیح و فلسفی داشت. یکی از رویکردهای مهم

و البته مغفول در بازخوانی مسئله فوق، جریان فلسفی دوره نخست، یعنی فارابی و ابن‌سینا است (در سنت اسلامی با چهار رویکرد عرفانی، فلسفی، تفسیری و فقهی در موضوع زن مواجهیم). از آنجا که بنیانهای تفکر فلسفی فارابی و ابن‌سینا تاکنون بدرستی در مسئله زن و بطور خاص بنیان معرفتی زن و مرد مورد بازخوانی قرار نگرفته، خوانش غالب چنین است که رویکرد فلسفه اسلامی در درون عقل مردانه قرار دارد. ادعای اصلی نوشتار پیش‌رو اینست که ما نیازمند خوانش بنیادین از تفکر فارابی و ابن‌سینا در این مسئله هستیم تا بتوانیم تبیینی صحیح از منظر فیلسوفان اسلامی با توجه به تعارضات و پیچیدگیهای زیادی که در درون برداشتها و فهمها وجود دارد، بدست دهیم.

فارابی و ابن‌سینا زن و مرد را در نیروی خرد و اندیشه و تخیل برابر میدانستند.^۱ فیلسوفان اسلامی همچون فارابی و ابن‌سینا، در تعریف انسان، نطق یا همان قوه عاقله را مقوم انسان دانسته و آن را برای زن و مرد یکسان شمرده‌اند؛ یعنی انسان فارغ از صنف زن و مرد، ذاتاً واجد فصلی بنام قوه ناطقه است. مذکر و مونث بودن تنها مصنف است، نه مقوم انسان، و فرع بر وجه عقلی و نطقی اوست. همین تفسیر را میتوان در باب کمال نیز بیان کرد که مراد سنت فلسفی اسلامی از کمال، تعلق آن به حقیقت انسانی است. فارابی در فصل بیست و سوم *آراء اهل المدینه الفاضله* توضیح میدهد که وقتی برای انسان (نه زن یا مرد، بلکه حقیقت انسانی هر فرد) معقولات بالفعل حاصل گردد، ضرورتاً و طبیعتاً برای او مقام ادراک و تأمل عقلی و

۱. ر.ک: پورحسن، قاسم، *ابن‌سینا و خرد/یرانی: واکاوی سرچشمه‌های حکمت مشرقی*. تهران: صراط،

رؤیت و تشوقی به فهم و کمال حاصل خواهد شد.^۱ همین تعبیر را در ابن سینا نیز میبینیم که در تعریف انسان، نه مرد یا زن بودن، بلکه انسان بودن را ملاک تعریف و تفسیرشان از عقل و کمال سعادت قرار داده است.^۲

شاید بهمین دلیل بود که فارابی در تبیین مدینه فاضله از واژه انسان نه مرد یا زن - بهره برده است.^۳ او در گفتار بیست و یکم، بتفصیل درباب زن و مرد سخن گفته و به مسئله بسیار مهمی در برابری زن و مرد در اندیشیدن و عقل اشاره دارد که دقیقاً برخلاف برداشت عموم از فلاسفه است. وی در همین فصل میگوید: زن و مرد در قوه حاسه و متخیله و ناطقه با یکدیگر اختلافی ندارند.^۴ ابن سینا در آثاری که بطور خاص درباره اخلاق، خانواده، زن و مرد و تربیت نوشته است همچون *فی علم الاخلاق*، *تدبیر المنزلیه*، *رساله العهد*، *رساله الارزاق*، و *رساله السیاسه* - درباب حقیقت انسانی زن و مرد سخن گفته است.

با بازخوانی صحیح بنیانهای فکری جریان فلسفی همچون فارابی و ابن سینا، میتوان پرسش معرفت‌انگارانه عقل مذکر و عقل مؤنث را نه از منظری خردانگارانه، بلکه با رویکردی فلسفی و بنیادین مورد بررسی قرار داد. اشکال فمینیسم معرفتی در مسئله مرد و زن اینست که بر مفهوم جنسیت و غیریت تأکید میورزند، درحالیکه با فهم درست تفکر فارابی و ابن سینا، نشان خواهیم داد که مفهوم محوری نه جنسیت یا نوعیت یا فردیت، بلکه خود انسان از آن حیث که انسان است، میباشد. تقابل این دو مفهوم نشان از آن دارد که جریان

۱. فارابی، *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*، ترجمه جعفر سجادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۳۲، ص ۱۸۸-۱۸۵.

۲. ر.ک: ابن سینا، *الهیات شفاء*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مقاله ۵، فصل ۴ و مقاله ۱۰ فصل ۴.

۳. فارابی، *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*، ص ۲۱۸.

۴. همان، ص ۱۷۶.

فمینیسم معرفتی با دشواری بسیاری در توجه فلسفی به زن و مرد روبروست، درحالیکه اگر بر اساس فلسفه اسلامی، مسئله اصلی را انسان قرار دهیم، بنظر میرسد بهتر میتوانیم معضلات را پاسخ دهیم.

کلیدواژه‌ها: عقل مردانه، عقل زنانه، فمینیسم، فارابی، ابن‌سینا، تفکر فلسفی، معرفت‌شناسی، وجه عقلی و نقلی، مدینه فاضله.

زن و سیاست اهل از منظر ملاجلال الدین دوانی؛ با تأکید بر کتاب *اخلاق جلالی*

محمدجواد ناسک جهرمی*

ملاجلال الدین دوانی یکی از فیلسوفان بزرگ قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری در فارس است که بیشتر او را فیلسوف ذوق التأله و معتقد به اصالت ماهیت می‌شناسند. وی دارای آثاری متعدد در فلسفه اسلامی است. اما برخی از آثار او، مانند *رسالة الزوراء*، جنبه عرفانی دارد. ملاجلال الدین دوانی در اثر دیگری بنام *لوامع الإشراف فی مکارم الأخلاق* که به *اخلاق جلالی* نیز شهرت دارد، بخشی را به سیاست اهل که همان مسئله زن و تأهل باشد، اختصاص داده است. او در این کتاب و در تبیین حکمت عملی و شاخصهای زندگی فردی و جمعی، بهترین زنان را زنانی میداند که از نظر عقل، دیانت، عفت و حیا و کسب رضایت شوهر پیشگام و موفق باشند. این مقاله در نظر دارد با توجه بیشتر به یک بخش از کتاب *اخلاق جلالی* که به زن و همسررداری پرداخته است، دیدگاه علامه دوانی را در مقام یکی از فیلسوفان و عالمان برجسته، نسبت به مسائل زنان نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: ملاجلال الدین دوانی، *اخلاق جلالی*، حکمت عملی، زنان، قرن نهم هجری قمری.

* دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛

مطالعه تطبیقی پیرامون زن در جهان‌بینی اسلام و غرب

فرزانه عبدالوهاب پور^۱، نرگس زارعی^۲

در جهان امروز با پیشرفت دانش، هر روز شاهد تغییرات بسیاری در حوزه‌های مختلف جامعه هستیم که جای تأمل و بررسی دارد. بنظر میرسد با گسترش حقوق زنان در جامعه باید قوانین متعددی برای زنان تدوین و تصویب شود تا بتوان نیازهای آنان را برآورده ساخت. در این جایگاه، با دو رویکرد مواجهیم؛ نگاه انسانی و الهی به زن و نگاه غربی و فمینیستی به او. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و بصورت کتابخانه‌ای، درصدد است از یک طرف رویکرد اسلام و غرب را نسبت به زنان و از طرف دیگر، حقوقی که برای آنها وضع کرده‌اند را تبیین نماید. بنظر میرسد نگرش اسلام به زنان، نگرشی انسانی و فطری است و میخواهد به آنها کرامت ببخشد، زیرا زن عهده‌دار نقش مادری و تربیت است؛ از سوی دیگر، اسلام برای زن حقوقی منحصر بفرد مانند نفقه، مهریه و نحله قرار داده است. نظریه حقوقی فمینیستی میکوشد برابریها را بدون توجه به مصلحت برای زنان تدوین کند که از این حیث با حقوق زنان در اسلام دچار اختلاف است.

کلیدواژه‌ها: جهان‌بینی اسلام، جهان‌بینی غرب، حقوق زنان، نگاه غربی، نگاه فمینیستی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت، قم، ایران؛

farzane.abdolvahab@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم؛ nargeszareei779@gmail.com

تحلیل نگرش فاطمه مرنیسی پیرامون کنشگری اجتماعی، سیاسی و امنیتی زنان

فاطمه احمدی*

مرنیسی در مقام روشنفکری نوگرا، با بهره‌گیری از منابع غربی و اسلامی اهل سنت، در صدد احیای جایگاه واقعی زن در جامعه است. بیشتر حساسیت‌های وی، ناشی از شرایط فرهنگی زادگاهش، مراکش، بوده و بیشتر توجه او معطوف به شرایط تاریخی زن عرب است. وی با تحلیل تاریخ صدر اسلام، در پی اثبات تفسیر خود از دین برآمده و همسو با افکار فمینیستی، بر این باور است که در ذات اسلام تفاوتی میان حقوق زن و مرد نیست، ولی فرهنگ مردسالار عرب بر آموزه‌های اسلامی غلبه کرده و قوانینی مخالف حقوق زنان، ارائه می‌دهد. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی، به نقد آراء مرنیسی پرداخته و مهمترین یافته اینست که مرنیسی برغم قلمی شیوا، نگاهی متفاوت و دغدغه حوزه زنان، در مواردی دیدگاهش با اصول قطعی و خدشه‌ناپذیر اسلام مطابقت نداشته است. این مسئله می‌تواند بدلیل پیش‌فرضهای نادرست، برخورد گزینشی در انتخاب منابع، پیش‌داوریهای زنانه در گزینش وقایع تاریخی، تحلیل و تفسیر نادرست از رویدادهای تاریخی و احکام اسلام، و عدم آگاهی لازم از مبانی و چارچوبهای دینی باشد.

کلیدواژه‌ها: کنشگری اجتماعی زنان، فاطمه مرنیسی، فمینیسم.

مهربانوان در ایران باستان؛ نگاهی به جایگاه زنان در حکمت ایران باستان

محمد مهدی داور*

با مطالعه آثار حکمی و الهیاتی مربوط به حکمت ایران باستان که دربردارنده آثار حکمی، الهیاتی و ادبی است، درمی‌یابیم که مهربانوان (زنان) همچون مهربانان (مردان)، دارای جایگاهی مساوی و البته ویژه هستند. مساوی بودن از جهت فطرت و حقوق، و ویژه بودن از جهت نقش‌آفرینی هرکدام از مهربانان و مهربانوان از حیث مسائل معنوی، فکری و اجتماعی است. در مسائل مربوط به حکمت نظری و الهیاتی وجود سه امشاسپند زن در کنار سه امشاسپند مرد از مجموع شش امشاسپند اثبات می‌کند که فارغ از جنسیت، مهربانان و مهربانوان، هرکدام جایگاه خاص خود را در هستی دارند. توجه به متون مذهبی زرتشتی روشن می‌سازد که زنان و مردان هر دو باید آیین عبادت و بندگی خداوند را بجا آورند و با گشتی در ماتیگان هزار دادستان، درخواهیم یافت که زنان در انجام پیوند زناشویی مهمترین نقش را دارند. نتیجه آنکه، جایگاه مهربانوان در فرهنگ ایران باستان، چه در الهیات و فلسفه و چه در مسائل اجتماعی، یا عبارت دیگر چه در حکمت نظری و چه در حکمت عملی،

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه مموریال نیوفاندلند، سنت جونز، نیوفاندلند و لابرادور، کانادا؛
mmdavar@mun.ca

جایگاهی ویژه است که این مقاله بدنبال بررسی آن است.

کلیدواژه‌ها: مهربانوان (زنان)، مهربانان (مردان)، ایران باستان، حکمت، الهیات زرتشتی.

جایگاه حقوق اجتماعی زن از دیدگاه ملاصدرا

فاطمه شریفی *

امروزه جایگاه اجتماعی زنان یکی از مباحث مطرح در حوزه علوم اجتماعی دنیاست. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو نگاه ملاصدرا نسبت به جایگاه اجتماعی زن است. هرچند تبیین تفاوت‌های زن و مرد بصورت مستقل، دغدغه ملاصدرا نبوده است، اما با مطالعه مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی حکمت متعالیه، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که زن و مرد از چه حقوقی در اجتماع برخوردارند و آیا در این حقوق با یکدیگر تفاوت دارند؟ این پژوهش نخست به نگاه ملاصدرا در مورد مراتب وجودی نفس، سپس به جایگاه حقوق اجتماعی در نظر ملاصدرا می‌پردازد و در ادامه، با توجه به جایگاه زن در حکمت متعالیه، نقش زن در حکمت متعالیه بررسی می‌شود.

در نظر ملاصدرا آن چیزی که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد، صرف ادراک کلیات نیست، بلکه ناطق بودن و حقیقت انسانیت به معنای نفس ناطقه قدسیه است. در نظریه حرکت جوهری اشتدادی ملاصدرا، انسان متفکر بسمت اعلا درجه وجود تغییر پیدا می‌کند و این انسان، چه زن باشد و چه مرد، از پایینترین درجه وجود که نفس نباتی است تا مرز بینهایت، امکان حرکت دارد. ملاک برتری، رشد عقل نظری و عملی است که انسان با توجه به آن، به قرب الی الله سیر می‌کند و زن و مرد بودن در این حرکت، ملاک

برتری یا پستی نیست.

در این سیر اختیاری که از عالم طبیعت آغاز میشود، ابزاری برای سرعت حرکت وجود دارد بنام زندگی اجتماعی، و انسان در زندگی اجتماعی باید از یک سری حقوق برای زندگی بهتر برخوردار شود و چون در این سیر حرکت بسوی قرب الهی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، پس در برخورداری از حقوق اجتماعی نیز نباید تفاوتی وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق اجتماعی، علوم اجتماعی، حکمت متعالیه، ملاصدرا، حرکت جوهری.

فلسفه زن بودن؛ کاوشی در تقابل میان ساختار اجتماعی و زیست‌شناختی با نگاهی به اندیشه‌های فلاسفهٔ مسلمان

ابوالفضل مینائی*

زنانگی، مفهومی چندلایه، در تقاطع فلسفه، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی است. این پژوهش با رویکردی فلسفی بدنبال بررسی این مسئله است که آیا زنانگی ریشه در طبیعت زیست‌شناختی دارد یا از ساختارهای اجتماعی سرچشمه میگیرد؟ با تکیه بر نظریات ابن‌سینا، فارابی و ملاصدرا، و مقایسهٔ آراء آنها با دیدگاه‌های متفکران معاصر چون جودیت باتلر، استنباط میشود که زنانگی نتیجهٔ تعاملی پویا میان جسم و فرهنگ است. ابن‌سینا زنانگی را در چارچوب مزاجهای جسمانی، فارابی در نظم مدنی و ملاصدرا در سیر وجودی انسان تحلیل میکند. روش این پژوهش تحلیلی-تطبیقی است و یافته‌ها نشان میدهد که فهم زنانگی نیازمند رویکردی جامع است که هم واقعتهای طبیعی و هم برساختهای اجتماعی را در بر میگیرد. نوشتار پیش‌رو بر ظرفیت فلسفهٔ اسلامی در غنابخشی به مباحث جهانی جنسیت تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: زنانگی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، ابن‌سینا، فارابی، ملاصدرا.

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفهٔ دین، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛

abolfazlminae33@gmail.com

حکمت صدرایی و تبیین عقلانی نقشهای زنانه: گذر از افراط و تفریط سنت و مدرنیته

مریم خاکسار*

فلاسفه از دیرباز کوشیده‌اند با تدوین «حکمت عملی»، عقلانیت را به عرصه کنش انسانی پیوند زده و توصیفات نظری را با توصیه‌های معقول همراه سازند. در این میان، صدرالمآلهین با هدف ارتقای اندیشه و عمل بشری، توجهی ویژه به این مسئله معطوف داشته است. نظام فلسفی صدرایی، با بهره‌گیری از ظرفیتهای کلان فلسفی در معرفی «عالم» فارغ از محدودیتهای زمانی و مکانی و همچنین ترسیم «انسان» فراتر از جنسیت و نژاد، قابلیت ایفای نقشی بیدیل در تبیین عقلانی هویت نقشهای زنانه در دوران معاصر را داراست؛ نقشهایی که گاه در چنبره تفسیرهای تنگنظرانه سنت‌گرایان به تفریط کشیده شده و گاه تحت سیطره نگرشهای مردمحورانه مدرنیستها، به افراط گراییده‌اند.

پژوهش پیش‌رو درصدد است با طرح پرسشی بنیادین در پرتو حکمت متعالیه، به واکاوی این مسئله بپردازد که آموزه‌های فلسفه صدرایی چگونه میتوانند در تبیین عقلانی نقشهای زنانه بکار گرفته شوند؟ هدف اصلی این تحقیق، بهره‌گیری منطقی از مؤلفه‌های حکمت صدرایی بمثابه «حد وسط برهانی» برای تمایزگذاری میان نقشهای شایسته و ناشایست زنان، بر پایه مبانی

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران؛ m.khaksar5957@gmail.com

عقلانی است. فرضیهٔ محوری مقاله بر این گزاره استوار است که نظام فکری صدرایی با ارائهٔ تصویری جامع از انسان و جهان، قادر است از یکسو با نقد کلیشه‌های سنتی، تجددگرایانه و توسعه‌محورانه دربارهٔ زنان، و از سوی دیگر، با بازتعریف عقلانی نقش‌های زنانه، راهبردهایی نوین برای عبور از دوگانه‌های افراطی-تفریطی ارائه نماید.

این نوشتار با تکیه بر روش تحلیلی-توصیفی، میکوشد نشان دهد که حکمت متعالیه نه تنها بمنزلهٔ چارچوبی نظری، بلکه بعنوان ابزاری تحلیلی، میتواند در بازخوانی نقش‌های جنسیتی در عصر حاضر ایفای نقش کند.

کلیدواژه‌ها: حکمت صدرایی، تبیین عقلانی، فلسفهٔ کاربردی، نقش‌های زنانه.

زنان و حقوق بشر: تحلیل تطابق حقوق زنان در اسلام با اصول حقوق بشر و بررسی چالشها و فرصتهای موجود در این زمینه

سمانه قنبری ورنوسفادرانی*

موضوع «زنان و حقوق بشر» در اسلام به بررسی تطابق حقوق زنان با اصول حقوق بشر و چالشها و فرصتهای موجود در این زمینه میپردازد. اسلام بعنوان یک دین جهانی، حقوق و کرامت زنان را در متون مقدس خود مورد تأکید قرار داده است. آیات قرآن و احادیث پیامبر اسلام (ص) به حقوق زنان در زمینه‌هایی مختلف، از جمله تحصیل، کار، ازدواج و ارث اشاره دارند. با اینحال، در عمل، تفسیرهای متفاوت از متون اسلامی و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، میتواند به نابرابریها و چالشهایی برای زنان منجر شود.

پژوهش پیش‌رو، به بررسی تطابق حقوق زنان در اسلام با اصول حقوق بشر و تحلیل مواردی میپردازد که در آنها حقوق زنان در جوامع اسلامی بچالش کشیده شده است. همچنین فرصتهایی که برای پیشرفت و توانمندسازی زنان در چارچوب اصول حقوق بشر وجود دارد، مورد بررسی قرار میگیرد. در نهایت، این مقاله به ضرورت بازنگری در تفسیرهای سنتی و تلاش برای ارتقای حقوق زنان در جوامع اسلامی تصریح دارد و به نقش فعال زنان در تحقق حقوق بشر و برابری جنسیتی اشاره میکند.

کلیدواژه‌ها: زنان، حقوق بشر، برابری جنسیتی، کرامت انسانی، چالشها و فرصتها.

* دانش آموخته دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران؛

بررسی استعارى حديث «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»

مهدى بیات مختارى*

درباره شخصیت و جایگاه زن در سفارشی از امام علی (ع) به حسن بن علی (ع)، یا محمد بن حنفیه، آمده است: «المرأة ريحانة و ليست بقهرمانة» (الکافی، ۱۴۰۷ق: ۵/ ۵۱۰؛ نهج البلاغه: نامه ۳۱). در گفتار مذکور، زن به گل معطر و خوشبو تشبیه شده و عنوان «قهرمانی» از او سلب شده است. انسان با گل چکار میکند؟ نوع برخورد با گل چگونه است؟ اگر گل را بشناسند و برخورد گُلانه با آن نکنند، مایه زینت و مؤثر است و وجودش شاخص و بارز و مؤثر خواهد بود، وگرنه سریع پژمرده و پریز میشود. برخی مترجمان، واژه «قهرمان» در این روایت را به معنای مانند سخت، خشن، نیرومند و... معنا کرده‌اند و خواسته‌اند بگویند جنس زن، لطیف است، نه خشن و سخت تا به کارهای سخت و مردانه وادار شود. اینان با توجه به معنای معاصر واژه «قهرمان» در فارسی، تأکید کرده‌اند که زن روئین‌تن خلق نشده که تحمل شدائد را داشته باشد و مشکلات رتق و فتق امور را برتابد. وی نباید در اجتماع مردان داخل شود و در کار آنان دخالت کند و متصدی امور مهم گردد.

اما ریشه‌یابی واژگان نشان میدهد که کلمه «قهرمان» در فارسی اصیل و روایات، حاوی معنایی دیگر است. واژه قهرمان یک واژه فارسی است که در متون پهلوی بصورت kār_ framān بمعنای مباشر، پیشکار، کارگزار، موکل

*. دانشیار گروه مطالعات تاریخ تشیع، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ایران؛

دخل و خرج و کسی که امور را در دست میگیرد، بکار رفته که طبق قریبۀ کاربردها، تحلیل و بررسی جمله‌های نمونه در زبان‌شناسی و تبدیل آوایی f به h به «کهرمان» و سپس معرب شده و به «قهرمان» تبدیل شده است. این واژه پیش از ورود اسلام به ایران، یعنی در زمان ساسانیان، بدلیل ارتباط سیاسی، نظامی، فرهنگی و تاریخی ایران و اعراب و همچنین استقرار مراکز مهم ایرانی در عراق، به شبه‌جزیره عربستان رفته و در کلام بزرگان اسلام، از جمله بنا بر قولی در کلام پیامبر اسلام (ص) و در کلام حضرت علی (ع) بکار رفته است. بنابراین، واژه «قهرمان» ریشه در زبان فارسی داشته و بمعنای پیشکار، کارپرداز، خدمتکار، خادم و مسئول خرید و رتق و فتق امور منزل است (روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه ۱۴۰۶: ۷/ ۲۳).

این واژه در متون اسلامی و در روایات نیز با همین معانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ مانند: «وَ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) يَقُولُ لِقَهْرْمَانِهِ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي مِنْ حَوَائِجِ الْحَجِّ شَيْئًا فَاشْتَرِ وَلَا تُمَاسِكْ»؛ امام زین‌العابدین (ع) به پیشکار خودش توصیه فرمود که هرگاه میخواهی لوازم مورد نیاز برای سفر حج را تهیه کنی، هنگام خریدن آن بیش از اندازه چانه زن (من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۳/ ۱۹۷). «قَالَ الصَّادِقُ لِقَهْرْمَانِهِ: أَلَمْ أَتُهَكَّ أَنْ تَسْتَقْرِضَ لِي مِمَّنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ فَكَانَ»؛ امام صادق (ع) به پیشکارش فرمود: آیا از تو نخواستہ بودم که از افراد تازه به دوران رسیده برای من قرض نگیری؟ (هدایة الامة إلى أحكام الأئمة (ع)، ۱۴۱۲ق: ۶/ ۱۱۷).

با توجه به آنچه گفته شد، معنای حدیث اینست که زن مانند گلی است که در خانه به محیط منزل زیبایی و طراوت میبخشد و همانند هوای مطبوعی است که فضای خانواده را انباشته میکند و بدون او تنفس ممکن نیست. زن

خدمتکار و پیشکار مرد در امور منزل نیست تا همه کارهای خانه به او سپرده شود و در رتق وفتق امور زندگی از او بهره‌برداری شود. در خانه، زن را مباشر امور خودتان ندانید و خیال نکنید که شما رئیس هستید و کارهای خانه، بچه‌ها و امثال آن بعهده یک سرکارگر است؛ سرکارگر هم زن است و باید در برخورد با او رئیسانه عمل کنیم. این تعبیر، کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که از زنان مانند بردگان در کارهای سخت زندگی، سوءاستفاده می‌کنند و به آنان هشدار می‌دهد تا با رفتار نادرست خود، روح لطیف زن را نیاززند و این اجازه را به او بدهند تا محیط خانواده را با طراوت نگه دارد. این معنا البته با آن دسته از قوانین شرعی سازگار است که هیچکدام از کارهای منزل، مانند پختن غذا، شستن لباسها و ظرفها، نظافت منزل و حتی نگهداری از کودک را وظیفه زن نمی‌داند.

کلیدواژه‌ها: زن، تدبیر منزل، زن در اجتماع، امام علی(ع).

..... یادداشت:

.....

.....
